

اسلام



۳

مکتب مبارز

نشریه اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان

در اروپا

مگزوده فارسی زبان

در این شماره :

صفحه	
۱	* - مسئله ای بنام شکست
۵	* - استقلال فکری
۱۲	* - اقتصاد اسلامی
۳۳	* - کوشش های اسلامی نسل جوان

۳۵

- فهرست سوم : ۲۹ و ۳۰ ژانویه ۱۹۶۷
۱۳۴۶

۳۶

- تشکیل انجمن اسلامی دانشجویان
آمریکا و کانادا ۲۴-۲۶ مارس

مکتب مبارز هر سه ماه یکبار از طرف اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا گروه فارسی زبان منتشر میگردد - هدف این نشریه شناخت و شناسائی چهره واقعی اسلام است . از کلیه خوانندگان و صاحب نظران محترم تقاضا میکنیم با ارسال نظرات و مقالات خود ما را در این راه یاری نمایند .

بجز مقالات بی امضا مسئولیت مطالب هر مقاله بعهد نویسنده آن میباشد .

مسئله‌ای بنام شکست

اگر خدا را یاری کنید ، خدا هم شما
را یاری خواهد کرد . قرآن مجید

بار دیگر اشغالگران اسرائیلی بر کشورهای عربی حمله ور شدند و آتش جنگ را
شعله ور ساختند . این اولین جنگ در سرزمین فلسطین و بیت المقدس نمیباشد و
مسئله آخرین جنگ نیز نخواهد بود . اسرائیل هم اولین مهاجم اشغالگر سرزمین
فلسطین و بیت المقدس نیست . تاریخ اسلام و عرب از این بد اختریه‌ها فراوان بخاطر
دارد .

در بیست سال قبل استعمارگران غربی وقتی خود را بعقب نشینی از مواضع اشغال
شده سرزمینهای مسلمانان در خاورمیانه مجبور دیدند ، به خلق پدیده ای بنام
اسرائیل در قلب کشورهای اسلامی پرداختند . و از آن زمان آرامش و صلح از این سرزمین
رخت بر بسته است . طی ۲۰ سال صرف نظر از صد ها جنگ کوچک مرزی و محلی
سه جنگ بزرگ در سالهای ۱۹۴۸ - ۱۹۵۷ و ۱۹۶۷ میان اعراب و اسرائیل رخ
داده است .

در هر سه جنگ اعراب بازنده و اسرائیل برنده بجا شده است . علل اشتغال
ناآرامی جنگ واضح است و شاید احتیاج به بررسی نداشته باشد . تا زمانیکه زائده ای
بنام اسرائیل وجود دارد - تا زمانی ملیونها مسلمان عرب از خانه هایشان رانده و
آواره هستند و تا زمانی که پدیده ای بنام استعمار و امپریالیسم وجود دارد و تا
زمانی که نهضت های اسلامی بر شد و توسعه خود ادامه می دهند توده ها بیدار
می شوند و برای کسب حقوق غصب شده خود بپا می خیزند ، جنگ ادامه خواهد داشت
و انتظار صلح امری بچوب و بی معنی است .

هر قدر علل جنگ واضح و روشن است علل شکست اعراب احتیاج به تحلیل و بررسی
دارد . نه تنها علل شکست اعراب ، بلکه شاید مهمتر از این علل درک و توجه به اثرات
آنی و دیررس این شکست ها بر مسیر تحولات و دگرگونیهای جوامع اسلامی در کشورهای
عربی و رشد نهضت اسلامی ضروری و لازم و احتیاج به بررسی دارد .

چه در باره علل شکست و چه در باره اثرات و نتایج شکست ها ، میتوان مسئله
را از جهات گوناگون مورد توجه قرار داد . بدون شك مسئله دارای اشکال متفاوتی است

می توان صورت نظامی مسئله را مورد توجه قرار داد یا به بررسی سیاسی قضیه پرداخت یا افق دید را وسیع تر و عمیق تر کرد و به مسائل جدی تری که شاید زیربنای اساسی باشد پرداخت. مسلماً علل نظامی وجود دارند. شرکت و همکاری آمریکا و انگلیس در جنگ اخیر یا فرانسه و انگلیس در جنگ ۱۹۵۷ و یا وضع ارتشهای عربی در ۱۹۴۸ قابل توجه است. علی‌رغم انکار دول متهم می توان از خود پرسید چه کسی نقشه کامل ۲۶ فرودگاه نظامی عربی را در اختیار اسرائیل گذاشته است. و یا کشتی "آزادی" آمریکا در سواحل کشورهای عربی در آغاز و بحبوحه جنگ چکار می‌کرد است. و هم چنین میتوان استراتژی اسرائیل و تاکتیک‌ها را بررسی کرد. اما بحث و بررسی علل نظامی و سیاسی شکست اعراب و یا نتایج آن نیز در اینجا مطرح نیست.

آنچه برای ما مطرح است و دارای اهمیت فراوان و اساسی است آنست که چه رابطه‌ای میان شکست اعراب با رشد و توسعه نهضت اسلامی در این کشور داشته و این شکست‌ها چه اثراتی در این نهضت اسلامی برجا خواهد گذاشت.

جنگ عرب و اسرائیل با تمام تازگی‌اش صورت جدیدی از یک پدیده قدیمی تری است. از دیدگاه ضد استعماری - این جنگ - استمرار ادامه مبارزات و جنگ و جهاد ملل مسلمان علیه استعمارگران خارجی است. و هر دو اینها - چه جنگ عرب و اسرائیل و چه جنگ و مبارزه ضد استعماری ملل مسلمان - بنویه خود دو شکل جداگانه و متمایزی از استمرار و ادامه جنگ‌های صلیبی و انعکاس عکس‌العمل مستمر و لجوجانه اروپای مسیحی در برابر مسلمانهاست.

و این اعتراف خود دنیای غرب است. در ۱۹۱۷ ژنرال اللنی - فرمانده اشغالگران متجاوز انگلیسی وقتی به بیت المقدس وارد شد گفت "امروز جنگ‌های صلیبی پایان یافت" در ۱۹۲۰ وقتی فرانسویان دمشق را اشغال کردند ژنرال فرمانده آنها در برابر آرامگاه صلاح الدین ایوبی گفت "صلاح الدین ما اکنون برگشته ایم".

و امروز - ۱۹۶۷ - موشه دیان - پس از بازگشت از بیت نام و بکار بردن تجاری که در جنگ ویتنام آموخته، و با مصرف بمب‌های ناپالم و غیره نیروی مقاومت اعراب را درهم می‌شکند و به بیت المقدس وارد می‌شود! می‌گوید: "ما بآرزوی چند هزار ساله خود رسیدیم و دیگر از اینجا خارج نخواهیم شد...".

لذا یک پیوستگی تاریخی میان سه پدیده: جنگ‌های صلیبی، استعمار غرب و مسئله‌ای بنام اسرائیل وجود دارد. بررسی و تحلیل مسئله جنگ عرب و اسرائیل چه از دیدگاه خالص اسلامی و چه از دیدگاه ضد استعماری برای هر مسلمان روشن

و آگاه و هشیار ضروری است . در این تحلیل همانطور که باید به روابط درونی و پیوستگی مسئله اسرائیل با پدیده استعمار غربی توجه داشت ، باید به عوامل دیگری که مربوط به جوامع اسلامی است توجه کرد . از این میان این عوامل بخصوص مسئله ناسیونالیسم عرب و رابطه آن با نهضت اسلامی در کشورهای عربی باید مورد بررسی قرار گیرد .

شناخت و بررسی روابط ناسیونالیسم عرب با نهضت اسلامی بطور عام و بخصوص در ماههای قبل از آغاز جنگ در شناخت علل عقیدتی و فکری شکست اعراب بسیار مفید است . تنها در سایه این بررسی است که می توان با مواضع ناسیونالیسم عرب در پشت جبهه در میان توده مردم - آشنا شد .

و از آنجا که این شکست در جهاتی شکست ناسیونالیسم عرب بشمار می رود بررسی اثرات این شکست در مواضع فعلی و آینده ناسیونالیسم عرب و بخصوص روابط آینده آن با نهضت اسلامی لازم و ضروری است . آیا اثرات این شکست تنها شامل ناسیونالیسم عرب خواهد بود ؟ و آیا شامل نهضت اسلامی هم خواهد شد ؟ و اصولاً این شکست چه اثراتی در رشد و توسعه یا توقف نهضت اسلامی خواهد داشت ؟ اینها مسائلی است که میتوانند باید مورد بحث و بررسی قرار گیرند . اما امکانات محدود ما از جهات متعدد اجازه نمی دهد که تمام این مسائل در اینجا مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند .

آنچه در اینجا می توان بعنوان نتایج و اثرات آنی شکست اعراب مطرح ساخت

عكس العمل طبیعی و عادی و عمومی در سرتاسر دنیای عرب است .

از يك جهت ، این شکست موج تنفر و انزجار عمومی را نسبت به اسرائیل و حامیان و یارانش شدید تر ساخت . از جهت دیگر این شکست - برخلاف دو شکست قبلی حالت انفعالی و یا شاید انتقادی شدیدی - حداقل بطور موقت در میان خود اعراب بوجود آورد . حالتی که نتیجه ضربات غیر قابل انتظاری بود که غرور آنها را پایمال ساخت . غروری که حاصل شعارهای ملی و تبلیغات مستمر ناسیونالیسم عرب بوده است . حاصل این تغییرات و اثرات آن بود که آنها را از تشبث و توجه بیک سلسله شعارهای ملی که تنها برای مدت کوتاهی می تواند مهیج و محرک باشد به توجه و انعطاف بسوی ارزشهای اسلامی سوق میدهد . چقدر این توجهات عمیق و یا سطحی و موقتی است ، قابل بحث است .

شکست اعراب نشان داد که ملل مسلمان هر قدر شیفته آزادی و استقلال باشند تا زمانی که بیدار نشوند ، برپای خود نیاستند و به خانه تگانی فکری و اخلاقی خود

نبرد ازند ! نه تنها قادر به مقابله با دشمن حيله گر پيروز نخواهند بود ، بلکه حتی قادر به حفظ سنگرهای که فتح کرده اند نخواهند بود .

شکست اعراب شکست اردوی غرب زده ها می باشد . این شکست نشان داد که با افکار غرب زده نمی توان به جنگ غرب و عوامل و پایگاههای آن رفت ، نشان داد که با افکار و برنامه های غربی نمی توان جامعه ای ساخت که قادر به مقاومت در برابر غرب باشد .

برای مبارزه با استعمار شرط اول آنست که سموم غرب زدگی و استعمار زدگی را از افکار و روحیات و اخلاقیات خود بدور ببریم . غربی نیاندیشیم ، قضاوت نکنیم ، برنامه برای اصلاحات نریزیم . و بقول فرانسوا فانون — متفکر عالیقدر فرانسوی باید این غرب را بحال خودش رها کرد .

از شکست اعراب حداقل بیاموزیم که مسلمانها باید بسوی اسلام بازگردند . باز — گشت مسلمانان بسوی اسلام و بی بردن برسالت تاریخی آنها — نه تنها ضامن رهایی و آزادی و سعادت آنها خواهد بود بلکه پاسخ گوی بسیاری از مشکلات دنیای درهم ریخته کنونی ما نیز می باشد .

والسلام علی من اتبع الهدی

” هر قدر در برابر مشکلات عظیم روزگار دست تنهایی مایوس کننده و وحشت آور است ، اجتماع و اتحاد قوت قلب و امید میدهد و پس از آنکه جمع شویم هر قدر بحث و حرف ، اختلاف و تفرقه ایجاد مینماید کار عمل صمیمیت و احترام میاورد . هر قدر مجادله یا مجامله سردی و ضعف میاورد ، اقدامات مثبت مفید دلگرمی و قوت میزاید . بنابراین ، بکارهای مثبت و منظم مفید بپردازیم که با تأیید خدا اجتماعمان در اثر حقیقت و کار و نظم برقرار و نیرومند و فزاینده خواهد گشت . ” رب زدنی علماً عملاً والحقسی بال صالحین .

از کتاب احتیاج روز

استقلال فکری

ملل مسلمان درك نمودند كه غرب زدگی چون بیماری خطرناکی سراسر شئون فردی و اجتماعی، مادی و معنوی آنها را فرا گرفته است اما مسلماً مهمتر از احساس درد، پیدا نمودن علاج قطعی آنست؛ میخواهیم در این مقاله کوشش‌ها و طرح‌های متفکرین اسلامی را برای مبارزه با این شکست فکری و احیاء مجدد شخصیت اسلامی اجمالاً بررسی کنیم و دریابیم که نسل مسلمان امروز از چه راه بار دیگر استقلال کامل فکری را بازیابد.

تمدن‌های جدید و افکار نو، وقتی از مهد اصلی حرکت نموده متوجه يك ملت بیگانه می‌شود تحول دامنه دار و عمیقی در فرهنگ عمومی آن ملت به وجود می‌آورد و استقلال فکری را در همه شئون اجتماعی بلكی از آنها سلب میکند؛ این حقیقتی است تاریخی که علل بسیاری از تبدلات و تغییرات اساسی تاریخ ملل را باید در آن جستجو کرد.

یکی از این حملات فکری و فرهنگی هجوم تمدن غربی به سرزمینهای اسلامی است که مقارن لشکرکشی ناپلئون بمصر آغاز شد و همچنانکه لشکر ناپلئون سرزمین اسلامی مصر را از نظر نظامی اشغال نمود؛ يك سلسله افکار غربی نیز مغزها و دل‌های مسلمانان آن سرزمین را بتدریج مفر حکومت و فرماندهی خود قرار داد. این هجوم فکری بصورتیکه تاریخ نشان میدهد در مدت کمی از مصر تجاوز نموده و سایر نقاط اسلامی را یکی پس از دیگری تحت تصرف درآورد و در اثر انحطاط اجتماعی و سیاسی شدیدی که بر سراسر امپراطوری عثمانی (قسمت عمده جهان اسلام در آنروز) حکم فرما بود این حمله توانست نظام فکری و معنوی مسلمانان را تقریباً در هم بریزد و قسمت مهمی از بقایای فرهنگ اسلامی را که در میان آنها بود از میان بردارد.

در اینکه در قرن نوزدهم و بیست سیل افکار غربی همه شئون فردی و اجتماعی زندگی مسلمانها را بشدت تحت تأثیر قرار داده و شخصیت مخصوص اسلامی آنها را تا حدود زیادی به تحلیل برده هیچ متفکری تردید ندارد و این حقیقت تلخ انکارپذیر نمیتواند باشد، آنچه امروز برای نسل مسلمان توجه به آن ضروری و لازم است عکس العمل نسبتاً شدیدی است که از طرف متفکرین اسلامی برای مقابله و مبارزه با این هجوم معنوی بعمل آمده و طرحهایی است که برای رهائی از این استعمار فکری و احیاء مجدد شخصیت اسلامی در ملل مسلمان پیشنهاد شده است. این موضوع مهم حیاتی است که مطالعه و بررسی آن بر هر فرد مسلمان و علاقمند ضروری بنظر می رسد.

در اواخر قرن نوزدهم متفکرین اسلام وقتی خود باختگی و شکست معنوی مسلمانها را دیدند سنگینی و مسئولیت و وظیفه خطیر را بر دوش خود احساس نمودند: نخستین وظیفه روشن ساختن این حقیقت اساسی بود که جنبه های منفی تمدن غربی با روح اسلام مبین و ناسازگار است، اسلام اجتماع خود را بیش از هر چیز دیگر بر یک اساس روحی و معنوی بنیانگذاری میکند ولی تمدن غرب بیش از هر چیز بر یک سلسله اصول مادی استوار است این یک فرق اساسی میان اسلام و غرب است که آثار آن در سراسر شئون فردی و اجتماعی آشکار میگردد و میبایست مسلمین به این حقیقت توجه کنند. (۱)

وظیفه دوم مبارزه عقلی و طرح نقشه های مؤثر برای جلوگیری از توسعه این شکست فکری و تجدید حیات شخصیت اسلامی مسلمین بود. تنها انجام صحیح این دو وظیفه بود که جهان اسلام را از خطر قطعی هجوم معنوی غرب حفظ میکرد و نمیکداشت رابطه مسلمین با اسلام برای همیشه قطع شود! اهمیت این دو کار بخوبی معلوم شده بود، گرچه توده های مسلمان در غفلت مصندی بسر میبردند ولی متفکرینی در گوشه و کنار بودند که کوتاهی و تعلل را روانداخته با تمام قوا و امکانات موجود در راه انجام وظیفه و رهاندن جهان اسلام کوشش مینمودند.

۱ - مقارن این فعالیت ها جهان اسلام مواجه با خطر بزرگ ظهور حس ملی گری افراطی و طرد وحدت اسلامی بود؛ متفکرین دلسوز با شدت هرچه تمامتر په مبارزه این پدیده نوظهور رفتند و باصراحت اعلام داشتند که این تحفه غربی با روح اسلام مابینت صریح دارد و منطق اسلام تأسیس اجتماع بر پایه عقیده و معنویات است نه مسائل ملی. متأسفانه مشاهده میکنیم که این حادثه کار خود را کرد و جهان اسلام بملت های گوناگون تقسیم شد.

این متفکرین در عین داشتن فعالیت‌های مشترک از دوازه به کوشش پراختند دسته ایکه در رأس آنها مرحوم ((سید جمال الدین اسدآبادی)) نابغه دانشمندی شیعی قرار داشت بیشتر فعالیت را متوجه اصلاح اوضاع سیاسی کشورهای اسلامی نموده بودند ، آنها اصلاح اوضاع سیاسی امپراطوری عثمانی و برقراری سیاست داخلی و خارجی جهان اسلام را بر موازین اسلامی و پیشرفتهای روز ، مؤثرترین وسیله علاج همه دردها میدانستند و معتقد بودند که باید تجدید حیات مسلمانها را از این راه شروع کرد و قبل از هر چیز اوضاع سیاسی را اصلاح نمود ، مرحوم اسدآبادی در این راه به مسافرت‌های زیاد و کوشش‌های فوق العاده ای پرداخت و رنجها و زحمات فراوانی متحمل شد ، اما تاچه اندزه در مقاصد خود موفق شد و افکار و اقدامات او چه اثراتی بعداً در اوضاع سیاسی ممالک اسلامی بخشید بحث مفصلی دارد و در اینجا مورد بحث ما نیست .

عده دیگری برهبری ((شیخ محمد عبده)) دانشمند بزرگ اسلامی قسمت عده کوشش را متوجه اصلاح اوضاع اجتماعی و عقیده ای و فکری مسلمانها نمودند (۱) آنها معتقد بودند با وضعی که بر جهان اسلام عارض شده ، بهتر روشن ساختن عقائد و حقایق اسلامی و مخصوصاً تنظیم و تبویب روز فهم فقه اسلامی و مشخص ساختن امتیازات عالی حقوق اسلامی از لابلای کتب فقه مهم‌ترین وظیفه فرزندان اسلام است ، آنها می‌کفند مهم‌ترین عامل انحطاط و شکست فکری مسلمانها بی خبری آنها از روح و حقیقت اسلام است ، مسلمانها در اثر علل و عوامل فراوانی قسمت‌های اجتماعی و تحول انگیز اسلام را فراموش نموده اند و خرافات و موضوعات خارج از دین که در طول قرنهای متوالی رخساره واقعی اسلام را پوشانده و سبب قسمت عده ای از اختلافات و دشمنیهای فرق مختلف اسلامی گشته ، این فراموشی و بی خبری را چندین برابر نموده است .

آنها معتقد بودند مسلمانها بدینجهت تحت تأثیر شدید مظاهر فرهنگ غربی قرار می‌گیرند که گمان میکنند اسلام نمیتواند منبع نیرو و بخش پیشرفت و ترقی باشد و اگر بفهمند اسلام آنچنان زنده و متحرک است که میتواند منبع عالیترین پیشرفتهای برای مسلمین باشد هرگز آنها ترک نموده دست بدامن قوانین و نظام اجتماعی غرب نمیشوند مسلمین باید بفهمند که برخورداری از زیباییها و مظاهر زندگی و استفاده از قدرت شگرت طبیعت که سبب تمدن جدید است به بهترین وجه در اسلام تأمین شده است .

۱ - شیخ عبده خصوصاً در اصلاح وضع و برنامه درسی دانشگاه الازهر و ایجاد یک تحول فکری در این مرکز اسلامی کوشش فراوان نموده است .

مرحوم اسدآبادی و عیده برای تحقق بخشیدن به هدفهای عالی خود ضمن فعالیت

های زیادی دست به انتشار مجله "العروة الوثقی" زدند و منظور از انتشار آن ایجاد یک نهضت فکری اسلامی در میان توده ها و طبقات مختلف مسلمین و تأسیس یک مرکز برای نشر افکار متفکرین بود. نشر این مجله توأم با تحمل زحمات فراوان بود ولی اثر فکری آن رضایت بخش بود و در جهان اسلام آنروز همانند چراغ فروزانی در یک بیابان تاریک می درخشید و کسانی از مسلمین را که نطفه این گونه افکار در مغزشان به وجود آمده اما از نبودن رهنما و همفکر اهمیتی به این افکار خود نمیدادند بطرف این مرکز متوجه میساخت و افکارشان را تقویت میکرد. بتدریج طرفداران این افکار انقلابی اسلامی در گوشه و کنار زیاد شده و نطفه یک نهضت فکری تکوین شده بود. از نقاط مختلف امپراطوری عثمانی که آنروز قسمت مهم جهان اسلام را دربرداشت صداهای اصلاح طلبانه پرحرارت و نیروئی بلند شده بود و این نهضت گرچه با مقایسه اوضاع عمومی مسلمین ناچیز بود ولی چون بر پایه ایمان و عقیده کامل بانیان آن تکیه داشت مایه امیدواری بسیار گشته بود.

چیزی نگذشت که مجله معروف "المنار" هم به کوشش ((محمد رشید رضا)) با مقالات مستدل و مؤثر و طرحهای جالبی که برای تحقیق و مطالعه معارف اسلامی داشت وارد میدان نهضت شد، دانشمند و متفکر دیگری ((عبدالرحمن کواکبی)) در این زمینه ها و کتاب مهم از خود بیاد گذاشت بنام "ام القری" و "طبیاع الاستبداد" که این دو کتاب نیز سهم بزرگی در بیداری افکار داشت. (۱)

روز بروز تألیفات بیشتری برای کمک به این نهضت فکری پا بعرصه گذارد که مهمترین هدف آنها پاک نمودن اسلام از اوهام و خرافات و بهتر شناساندن معارف عالییه آن به مسلمین و بالاخره نشان دادن سیمای واقعی اسلامی بود. دامنه این فعالیتها از دانشگاههای اسلامی گرفته تا دورترین نقاط کشورهای مسلمان نشین کم و بیش سرایت کرد و البته همیشه کشور مصر و سوریه و لبنان مرکز اصلی آن بود زیرا اروپائیها در این سرزمینها از دیر زمانی دست به تأسیس آموزشگاههای متعددی زده بودند که اثر تبلیغی آن بسیار زیاد بود و جوانان مسلمان در این آموزشگاهها دسته دسته تربیت غربی می دیدند و افکار و عقاید و رفتار غربی همه زوایای مغز و فکر آنها را اشغال مینمود (۲) از اینجهت این سه کشور مرکز اصلی مبارزه علیه غربزدگی بود!

۱ - البته این چند نشریه و کتاب از باب نمونه آورده شده.

۲ - جرجی زیدان در جلد چهارم "آداب اللغة العربیة" و "دکتر زین الدین" (استاد تاریخ دانشگاه امریکائی بیروت) در کتاب "پیدایش افکار ملی در خاور نزدیک" قسمتی از این آموزشگاهها را ذکر نموده اند.

این نهضت جدید که داشت در تاریخ ملل مسلمان فصل جدیدی باز میکرد، توجه دانشمندان غربی و مستشرقین را نیز بخود معطوف داشت و علاوه بر مقالات و سخنرانی هائیکه از طرف آنها در این باره نوشته و ایراد شد "مستر گیپ" مستشرق معروف کتاب مخصوصی در باره این تحول فکری بنام "الاتجاهات الحدیثه فی الاسلام" (۱) - برشته تحریر کشیده و در آن نهضت تازه فکری عالم اسلام را دقیقاً تشریح و تجزیه و تحلیل نمود.

در این انقلاب و نهضت ضمن تحقیق و بررسی مجدد همه معارف اسلامی توجه خاصی به مسایل و دگرترین حقوقی اسلام ابراز شد زیرا مهمترین صدمه و آسیبی که از ناحیه هجوم فرهنگ غربی متوجه اسلام شده بود همانا در قسمت قوانین اسلامی بود. غرب پیشرفتهای روز افزون خود را معلول آن نظام سیاسی و حقوقی میدانست که بدنبال انقلاب کبیر فرانسه بآن رسیده بود و از این راه نظام سیاسی و حقوقی خاص اسلام مورد اعتراض و حمله غربیها واقع شده بود و نظر به انحطاطیکه در جوامع مسلمین بود تمام این اعتراضها در اذهان نسل جوان مؤثر میشد و یک نهضت قانونگزاری در کشورهای اسلامی به وجود آمده بود که مرتباً قوانین غربی را جانشین قوانین اسلامی می نمودند.

این وضع ضربه های شدیدی به استقلال فکری اسلامی میزد و از اینرو متفکرین اسلامی در تحقیق مسایل حقوقی اسلام همت بیشتری نمودند و چاره در آن دیدند که اول در حدود امکان اصول^{علمی} این فقه عظیم را آنچنانکه لازم است بدنیای غرب بشناسانند و اساساً طرز فکر اروپائیها را نسبت بحقوق اسلامی عوض کنند. برای تحقق بخشیدن به این منظور افکار زیادی مورد بحث قرار میگرفت و اهمیت اینکار کاملاً معلوم شده بود تا اینکه ((شیخ مصطفی المراحی)) " رئیس وقت دانشگاه الأزهر " در اینباره قدم بزرگی برداشت و آن فرستادن هیئتی از فقها، برجسته اسلامی به یکی از کنگره های مهم حقوقی غرب جهت بحث در حقوق اسلام بود.

" دکتر محمد یوسف موسی " در کتاب ((تاریخ الفقه الاسلامی)) و همچنین " دکتر صبحی محمصانی " در کتاب ((فلسفه التشریح الاسلام)) این جریان مهم را که در تاریخ فقه اسلام بوقوع پیوسته اینطور نقل میکنند :

" در سال ۱۹۳۷ میلادی ((کنگره بین المللی حقوق تطبیقی در " لاهه " منعقد بود)) (مرحوم مصطفی المراحی) ((بمنظور شناساندن فقه اسلامی به این محفل علمی

۱ - " تحولات تازه فکری در جهان اسلام " - این کتاب را عده ای از اساتید دانشگاههای لبنان از انگلیسی به عربی ترجمه نموده اند.

جهانی هیئتی از علماء برجسته اسلامی را به نمایندگی در این کنگره فرستاد این هیئت (تا آنحدود که برنامه کنگره و سایر امکانات اجازه میداد) در دو قسمت مهم از فقه اسلامی یعنی "مسئولیت جزائی و مدنی" در فقه اسلام وارد بحث شدند و اصول کلی فقه اسلامی را در این دو موضوع که در عالم حقوق از مباحث بسیار مهم میباشند، برای اعضاء کنگره تشریح کردند. این هیئت ضمن بحثهای خود اثبات نمودند که حقوق اسلامی کاملاً اصیل است و از حقوق روم متأثر نگشته و صلاحیت هرگونه تطورات جدیدی را دارا می باشد .

در نتیجه این بحثها و بررسیها کنگره موافقت علی خود را با صلاحیت حقوق اسلامی از نظر تأمین احتیاجات تازه زندگی کنونی (بدون احتیاج به استفاده از حقوق دیگر) صریحاً اعلام داشت همچنانکه پیشنهاد نمود در جلسات آینده کنگره برای بحث در مسایل و موضوعات مربوط به حقوق اسلامی زبان عربی مورد استفاده قرار گیرد .

پیدا است که این اقدام اساسی عظمت و عمق حقوق اسلامی را تا حدود زیادی در جهان غرب آشکار نمود و سبب شد قسمت مهمی از اشتباهات ^{مربطه} مستشرقین در فهم حقوق اسلامی که فوق العاده بضرر اسلام تمام میشد برطرف گردد . مطلعین میدانند که مسئله خاور شناسی و خاورشناسان برای جهان اسلام مسئله مهم و قابل توجهی شده و اشتباهات اصولی آنها در فهم معارف مختلف اسلامی مشکل بزرگی را از نظر معرفی اسلام در غرب بوجود آورده نوشته ها و تحقیقات آنها که شامل مباحث سودمند تحقیقی است شامل یک رشته نسبتهای ناروا و خطاهای علمی هست که اصلاح آنها از وظائف اساسی علمای اسلام بشمار میرود . پس از آنکه گوشه ای از حقوق اسلامی بصورت صحیح و از طرف علماء با صلاحیت در آن کنگره مطرح و مورد توجه و تحسین قرار گرفت امروز در جهان غرب مطالعه در حقوق اسلامی توسعه و اهمیت زیادی پیدا نموده و تد ریبجاً وارد برنامه های دانشکده های حقوق میگردد .

در داخل کشور های اسلامی هم از طرف فقهاء مطلع و روشن بین و سایر دانشمندان اسلامی طرحهایی برای چگونگی برنامه تد ریس فقه اسلامی در دانشکده های اسلامی عرضه شد که گرچه تاکنون بطور کامل این طرح ها عمل نشده ولی گفتگو و صحبت این طرحها و توجه باینکه باید با اسلوب صحیح تر و جامعتری بمطالعه فقه پرداخت در نسل جوان فکرهاى تازه ای ایجاد نموده و برای افراد راهنمایی نموده که اقلاً در مطالعات شخصی خود چه راهی را انتخاب کنند . در اثر عرضه این طرحها و قوت گرفتن این افکار بود که بطور معجزآسائی مقدمات

مطالعه فقه شیعه در دانشکده های اهل تسنن چندی قبل فراهم آمد و ((شیخ شلتوت))
(رئیس فقید دانشگاه الازهر) در این راه آن قدم های بزرگ را برداشت ، این طرحها
متعدد است و بنظر میرسد کاملترین آنها طرح زیر است که آنرا دکتر ((عبدالرزاق -
السنهوری)) به این ترتیب پیشنهاد نموده است :

- ۱ - مطالعه و بررسی عمیق تاریخ فقه اسلامی .
- ۲ - بررسی عمیق اصول فقه اسلامی و تاریخ اصول فقه .
- ۳ - تطبیق فقه مذاهب مختلف فقهی اسلامی بایکدیگر و توجه بدلائل هر کدام
از آنها .

۴ - تطبیق قوانین حقوق اسلامی با قوانین جدید غرب و بررسی مسائل اساسی
مربوط به هر کدام از آنها" (۱)

میدانیم که امروز در حوزه های علمیه و یادانشکده های اسلامی و حقوق مسلم
مسلمان بطور کامل به این طرح سودمند عمل نمی شود ولی مسلماً روزیکه این طرح -
جامع مورد عمل قرار گیرد ، فقه اسلامی حیات و جنبش زائد الوصفی بخود خواهد گرفت
و هم اکنون قسمتی از این طرح که عملی شده در عالم فقاها اهل سنت تأثیر فراوان
بخشیده است . امروز در جهان فقاها عامه از سد باب اجتهاد که قرنهای دامنگیر
آنها بوده برزشتی و ناراحتی نام برده می شود و تا حدود زیادی تعصبات خشک
مذاهب فقهی از میان رفته است .

اقدامات اساسی و لازم دیگری که بمنظور آشنا ساختن مسلمین بحقایق
اسلامی در عالم فقه عامه بعمل آمده عوض نمودن طرز تبویب کتب فقه بوده است . در
میان عامه کتابهای معتبر و مهمی در باره مسائل اساسی حقوق اسلامی بصورت کاملاً
روز فهم تألیف شده و در دسترس دانشجویان حقوق و دیگران قرار گرفته است و با
توجه به اینکه مراجعه و تحقیق پاره ای از نظریات اسلامی از طریق کتب فقه (که به
صورت تبویب قدیمی باقی مانده) برای جوانان کاری دشوار و یا غیر عملی می باشد
می توان ارزش اینکار را درک نمود (۲) .

* * * * *

-
- ۱ - مجله " المسلمون " نشریه مرکز اسلامی ژنوشماره سوم سال اول .
 - ۲ - در آینده بضمیمه تکمیل مباحث این مقاله اوضاع فکری را در عالم شیعه بررسی
میکنیم و مقصود اساسی از این بحث همان توجه به مشکل نسل امروز در
جهان شیعه می باشد .

اقتصاد اسلامی

بخش دوم

زیربنای نظری آموزش، اقتصاد اسلامی

در شماره قبل گفتیم که اسلام بعنوان یک ایدئولوژی جهانی در تمام زمینه های حیات بشری اظهار نظر مینماید و راه حل های خود را بطور قاطع عرضه میدارد . مطالعه ، بحث و داوری در باره یک قسمت از ایدئولوژی اسلام بدون توجه و در نظر گرفتن روابط متقابل میان قسمت های مختلف موجب نتیجه گیریهای ناروا و غلط خواهد شد .

از نقطه نظر رابطه میان اقتصاد اسلامی و سایر جنبه های فردی و اجتماعی اسلام اشاره کردیم که اسلام قبل از آنکه به ارائه و اجرای سیستم اقتصادی خود به پردازد میکوشد تا " آدم " بسازد . سیستم های اجتماعی بخودی خود نمی توانند خلاق و مولد باشند . توده های مردمی که عوامل اجرایی هستند در پیروزی یا شکست آنها دخالت دارند- لذا اسلام قبل از هر چیز به تصفیه و خلوص محتوی جامعه می پردازد .

* * *

در بررسی مسائل اقتصادی ما به سه مطلب توجه داریم :

مطلب اول - اصول نظری (تئوریک) یا جهان بینی اقتصادی است که در هر مکتب یا ایدئولوژی اجتماعی براساس آن روابط اقتصادی انسان و جامعه را بررسی

۱-Dr. E. Yazdi

Department of Pharmacology - Baylor Univ.

Texas Medicalcenter , Houston Texas USA

کرده و راه حل‌های خود را برای ایجاد جامعه‌ای با نظم اقتصادی مورد نظر پیشنهاد
مینماید. این اصول بنیادی را بنام جهان بینی اقتصادی، مذهب اقتصاد یا فلسفه
اقتصاد خوانده‌اند. تفاوت و تضاد در جهان بینی کلی و بنیادی دو سیستم
کاپیتالیستی و مارکسیستی است که روینای عملی و محتوی و شکل درونی مسائل اقتصادی
را در این دو سیستم از هم متمایز می‌سازد.

اسلام بعنوان يك دين كامل - يا يك ايدئولوژی اجتماعی از روابط اقتصادی در
جامعه غافل نیست و بر اساس جهان بینی خاص خود راه حل‌های مناسبی را جهت
ایجاد يك جامعه سعادت مند و برخوردار از يك نظم اقتصادی پیشنهاد می‌نماید.

مطلب دوم - روینای عملی یا پراتیک مسائل اقتصادی است. بر اساس اصول
بنیادی است که در هر مکتبی یا سیستمی اصول پراتیک و عملی آن مطرح مگرد. در
مثلاً در جامعه مارکسیستی که اساس فلسفه اقتصاد آن بر پایه قبول و ایمان باصالت
طبقه کارگر و ارزش کار استوار است، نتیجه فوری و عملی آن از نظر روینای اقتصادی
رد و محو مالکیت‌های فردی و دولتی کردن صنایع می‌باشد. در حالیکه در جامعه
سرمایه داری که زیربنای تئوریک آن اصالت سرمایه و فرد را قبول کرده است مسئله
مالکیت‌های فردی بطور وسیع و سرمایه‌گذاری‌های خصوصی - شرکت‌های بزرگ و
انحصارات و رقابت‌ها روینای عملی روابط اقتصادی را تشکیل می‌دهد.

مطلب سوم - محتوی اقتصاد جامعه است. این محتوی بر اساس دو مطلب بالا،
حاصل و ناشی از آنها می‌باشد. در حالیکه دو مطلب بالا قاعده‌تاً باید ثابت و لا-
یتغیر باشند. مطلب سوم یعنی محتوی اقتصاد در جامعه دائم در حال تغیر و تبدیل
است. محتوی اقتصاد جامعه متناسب با شرایط مکان و زمان و پیشرفتهای اقتصادی-
کشاورزی و صنعتی در حال تغیر است. ولی تغییرات این محتوی تابع اصول
اساسی و عملی حاکم بر نظام اقتصادی جامعه می‌باشد. محتوی اقتصاد جامعه
مارکسیستی نیز مانند سایر جوامع در حال تغیر است. آن چه محتوی اقتصاد روسیه
شوروی در ۶۰ سال پیش بود باحالا تفاوت کرده است. اما تجزیه و تحلیل مشکلات
اقتصادی و پیشبینی‌های ضروری و لازم بمنظور حل آنها در طی دوران بعد از انقلاب
اکتبر همیشه با الهام از اصول بنیادی و اساسی مارکسیسم - لنیسم بوده است (یا حد
اقل می‌بایستی بوده باشد). انحراف از این اصول بنیادی تنها وقتی خواهد بود که
در اساس جهان بینی و تحلیل روابط اقتصادی تناقضات درونی یا عدم تفاهات وجود
داشته باشد. وقتی جهان بینی کلی یک ایدئولوژی - در اصل - در تحلیل پدیده‌های

حیات و شناخت انسان دچار اشتباه باشد واضح است که روابط انسانها را - منجمله روابط اقتصادی را با تصور نادرستی بررسی می نماید - نتیجه این اشتباه در بررسی آن خواهد بود که در راه حل یابی مشکلات اقتصادی جامعه به عدول از اصول - اساسی مجبور گردد . تناقضات درونی در جهان بینی اقتصادی یک ایدئولوژی موجب خواهد شد که جامعه در جستجوی راه حلهای مناسب برای مشکلات اقتصادی خود نه تنها آن را کنار میگذارد بلکه در موارد خاص از ایدئولوژی متضاد با آن الهام میگیرد .

مثلا در اقتصاد سرمایه داری بعلت تناقضات بنیادی که در اساس جهان بینی اقتصادی آن وجود دارد ، جامعه سرمایه داری در جستجوی راه حل برای مشکلات اقتصادی به تغییراتی در رونمای اقتصاد عطفی خود دست میزند که با اصول اساسی اقتصاد سرمایه داری تناقض دارد . در این تغییرات جامعه سرمایه داری بتدریج از اصول اساسی خود انحراف پیدا میکند . البته ممکن است جامعه سرمایه داری ، بععل متعدد ، حاضر به قبول و اجرای این راه حلهای مناسب ، نشود و در نتیجه عدم تعادل و تناقضات درونی بحدی زیاد شود که منجر به انقلابات عظیم اجتماعی گردد . مطالعه تغییرات درونی در جامعه سرمایه داری آمریکا بخوبی نشان میدهد که چگونه جامعه سرمایه داری با مشکلات اساسی روبرو میشود و چگونه بطور دائم در یک نزاع و جدال داخلی درگیر است . از یک طرف سرمایه داری آمریکا برای حفظ خود مجبور بقبول بسیاری از تغییرات می شود که این تغییرات در عین حال با اساس جهان بینی سرمایه داری مغایرت دارند . اما از جانب دیگر تسلیم شدن سرمایه داری بهمین تغییرات تدریجی ، جامعه را از یک انقلاب شدید ناگهانی حفظ میکند .

بهمین ترتیب در جامعه مارکستی نیز ما شاهد تغییراتی هستیم که صرفاً تغییرات در محتوی - که امری است طبیعی و لازم - نمی باشد بلکه تغییراتی است در رونمای عطفی و پراتیک و متناقض و مغایر با جهان بینی اقتصاد مارکسیستی . بعنوان نمونه میتوان مسئله تفاوت دستمزدها ، مالکیت فردی - بهره و نظائر آنها را مورد توجه قرار داد .

با توجه باین مقدمه ، برای آنکه به بررسی راه حلهای اسلامی در برابر مشکلات اقتصادی جامعه خودمان به پردازیم ضروری است که ابتدا به آن اصول اساسی - یا نظری (تئوریک) اقتصاد اسلامی که زیربنای کلی را تشکیل میدهد توجه نمائیم . توجه و آشنائی و شناخت این اصول اساسی که بنام " شریعت " اقتصاد اسلامی می توان خواند در فهم وجهت گیری تجزیه و تحلیل مشکلات اقتصادی جوامع اسلامی

نه تنها مفید است بلکه ضروری است ^۱ بر اساس این شریعت اقتصاد اسلامی است که علمای اقتصاد مسلمان باید به جستجوی راه‌های مناسب و شکل‌دارن به محتوی اقتصادی متناسب با شرایط زمان و مکان به پردازند. این عمل آنها، عبارت دیگر- همان کار فقه است چه فقیه باید از یک طرف شریعت را کاملاً بشناسد (مجتهد باشد) و از طرف دیگر به احتیاجات زمان و امکانات عصر نیز واقف باشد تا بتواند با علم خود راه‌های شرعی ^۲ را به جامعه عرضه نماید. محتوی اقتصاد سنتی در جوامع اسلامی در طی سالیان دراز بر اساس شریعت اقتصاد اسلامی بنیان نهاده شده و کم و بیش از آن الهامی گرفته است. بزرگترین نقص و گره‌ای که در حال حاضر ما با آن روبرو هستیم آن است که علمای فن که واجد شرایط برای تطابق شریعت با زمان و مکان باشند وجود ندارند. در مسائل اقتصادی ^۳ که متخصصین اقتصادی ما آنها که تحصیل کرده‌غریبند- بدون آنکه به زیربنای آن که جمعی از جهان بینی سرمایه‌داری است توجه کنند صرفاً تئوریه‌ها و راه‌های آنها را می‌خواهند در جامعه ما بکار ببرند. در حالیکه غافلند از اینکه مشکلات اقتصادی جامعه ما را نمی‌توان با جهان بینی سرمایه‌داری حل کرد. و آنها که تحصیل کرده‌دنیای شرق هستند دانسته جهان بینی مارکستی را پذیرفته و می‌کوشند و ادعا میکنند که مشکلات اقتصادی ما را با این جهان بینی می‌توان حل نمود- در این میان آنها که در عین برخورداری از تحصیلات غربی یا شرقی دارای تمایلات اسلامی هستند متأسفانه از شریعت اقتصاد اسلامی با خبر نیستند.

از جانب دیگر مراجع ما که کم و بیش به شریعت و اصول اقتصاد اسلامی آشنائی دارند - سالیان دراز از ضرورت‌های قرن عقب هستند و نمی‌توان انتظار داشت که بدون آشنائی با پیشرفت‌های اقتصادی عصر حاضر بتوانند راه‌های منطقی برای مشکلات اقتصادی ما ارائه دهند.

امیدواری و کوشش ما بر این است که در این بحث کوتاه و مختصر و کم و بیش ناقص خودمان راه جدیدی را باز کنیم - و آن اینکه دوستان و برادران اسلامی ما - که در رشته‌های علوم اقتصادی مشغول تحصیل و کسب دانش هستند به این مسائل اساسی نیز توجه پیدا کرده و به مطالعه عمیق تر و جدی تر به پردازند. بنظر ما وجود این گروه از دوستان سرمایه‌های امیدوارکننده‌ای برای جوامع اسلامی بشمار می‌روند.

* * *

در این بخش اصول تفویک یا نظری اقتصاد اسلامی را ما به ترتیب زیر مورد بحث قرار می‌دهیم :

- ۱ - مالکیت اصلی و کلی و مطلق از آن خداست
- ۲ - بشر (جامعه) خلیفه و جانشین خدا در زمین است
- ۳ - تمام هستی وجود - طبیعت برای استفاده بشر است و بشر بالقوه قدرت تسخیر همه آنها را دارد .
- ۴ - قدرت حکومت اسلامی
- ۵ - تأمین و تضمین زندگی همه انسانها
- ۶ - شناخت مالکیت فردی - عامل نفسانی محرک اقتصادی
- ۷ - وحدت انسانها - نا برابریها
- ۸ - اصالت کار و عمل - از هر کس باندازه استعدادش
- ۹ - مصرف باندازه احتیاج
- ۱۰ - ضرورت عدالت اجتماعی
- ۱۱ - رسالت انبیاء و مسلمانان

اصل اول = مالکیت اصلی و کلی از آن خداست

آیات و شواهد بسیار زیاد و مکرری در قرآن وجود دارد که همه دال بر آنست که مالکیت اصلی از آن خداوند است . همه چیز بخدا تعلق دارد . در حالیکه عدای از آیات به مالکیت و سلطنت خداوند بر تمام هستی و موجودات اشاره مینمایند، آیاتی هم هستند که به مالکیت خداوند بر اراضی و زمین بطور خاص اشاره می نمایند . برای توجه خواننده به ذکر چند شاهد از قرآن می پردازیم :

- ۱ - ولله میراث السموات والارض (۵۷ - ۱۰)
میراث آسمانها و زمین از آن خداست
- ۲ - له ملك السموات والارض (۵۷ - ۵)
فرمانروایی آسمانها و زمین از آن خداست
- ۳ - الذی له ملك السموات والارض (۹ - ۱۱۶)
کسیکه (خدائیکه) فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست
- ۴ - ولله ملك السموات والارض وما بینهما (۵ - ۱۷)
فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست از آن خداست
- ۵ - ارض الله واسع (۳۹ - ۱۰)
زمین خدا پهناور است

٦ - فذروها تاكل في ارض الله (٧٣ - ٧)

پس بگذارید تا او (اشتر) در زمین خدا بخورد

٧ - ان الارض لله مورثها من يشاء من عباده (١٢٨ - ٧)

زمین متعلق بخداست و به بندگانی که بخواهد واگذار میکند

این تاکید در مالکیت خداوند صرفاً یک امر ذهنی که اثرات اجتماعی و اقتصادی نداشته باشد نیست .

چه بلافاصله در بحث آینده خواهیم دید که چگونه این اصل اول از فلسفه اقتصاد اسلامی بر تمام و سرتاسر فعالیت های اقتصادی و قدرت دولت و تحدید مالکیت فردی حاکم و ناظر می باشد .

بر اساس این اصل است که حق مالکیت گلاً "مربوط میشود بخداوند . بشر حق هیچگونه اظهار و ادعای مالکیتی را ندارد . " حق " در این جا یک مفهوم حقوقی و قانونی دارد . از دو مفهوم حق و احتیاج (→ حق مربوط میشود به خداوند و آنچه برای بشر برسمیت شناخته شده است " احتیاج " اوست)

اصل دوم = بشر خلیفه و جانشین خداوند در زمین است

بعد از اصل اول بلافاصله این سؤال پیش میاید که اصالت مالکیت خداوند چه اثراتی در روابط اقتصادی جامعه دارد و تاثیرات آن چگونه است . اصل دوم از فلسفه اقتصاد اسلامی ناظر بر چگونگی این تاثیرات است . مطابق این اصل انسان - بطور عام و در جمع جانشین خداوند در زمین و یا شاید در تمام هستی وجود مییابد . شواهد این امر در قرآن و آیات فراوان است و ما چند نمونه در اینجا میاوریم .

١ - هو الذی جعلکم خلائف فی الارض (٦ - ١٦٥ و ٣٥ - ٣٩)

او (خدا) شما را جانشینانی در روی زمین قرار داده است

٢ - ثم جعلناکم خلائف فی الارض (١٠ - ١٤)

سپس شما را جانشین در روی زمین گردانیدیم

٣ - وانفقوا ما جعلکم مستخلفین فیہ (٥٧ - ٧)

از آنچه شما را در آن جانشین قرار داده است ببخشید

٤ - واتوهم من مال الذی اتیکم (٢٤ - ٣٣)

از مالی که خدا به شما داده است به آنها بدهید

٥ - انی جعل فی الارض خلیفه (٢ - ٣٠)

در روی زمین جانشینی قرار خواهم داد

بر اساس این جانشینی است که حق مالکیت خداوند در تحت شرائطی بجامعه برای استفاده و رفع احتیاجات وکالت داده شده است . بر اساس این اصل است که حکومت اسلامی - که نماینده مردم و اجرا کننده دستورات خداوند باشد ، این حق و این امتیاز وکالت را در خود متبلور و متجلی میسازد . این امر به دولت اسلامی بزرگترین قدرتها را از نقطه نظر مسائل اقتصادی عطا مینماید . به عبارت دیگر بر اساس این اصل دوم است که همه فقهاء اسلام متفق القولند که " مالکیت جز با ثبات و تقریر شارع (حکومت اسلامی) ثابت نمیشود همه حقوق و از جمله حق مالکیت جز به اثبات شارع و امضاء اسباب آن ثابت نمی شود پس حق چیزی نیست که طبعاً و خود بخود پیدا شود بلکه از ان شارع و اینکه او سبب آنرا مشر این نتیجه دانسته درست میشود " (۱)

باز نتیجه و حاصل این اصل است که می نویسند : " قاعده این است که هر چیزی ملك اجتماع است " و " مالی که در دست بشر است مال خداست و مردم اصالتی نداشته و جانشینانی بیش نیستند . " (۱)

اصل سوم = تسخیر طبیعت برای استفاده بشر

از نظر اسلامی - نه تنها کره زمین بلکه آنچه در آسمانها و زمین و سایر کرات وجود دارد ، همه برای استفاده بشر بوجود آمده اند . تمام هستی آماده برای استفاده بشر میباشد . بشر نه تنها حق دارد از تمام آنچه در هستی و طبیعت وجود دارد استفاده کند بلکه بطور بالقوه - در نهاد انسان - آن چنان قدرتی وجود دارد که در صورت بکار انداختن آن می تواند بر تمام این طبیعت تسلط یابد و آنها را " تسخیر " کند - می تواند آنها رام و مهار سازد . بشر میتواند و باید با بکار انداختن استعداد و کشف اسرار خلقت خداوند هر گونه منابع طبیعی را که خدا برای او خلق کرده است مورد بهره برداری قرار داده و به بهتر ساختن زندگی خود به پردازد .

۱ - و هو الذی جعل لکم الارض لولا فامشوا فی مناكبها و کلوا من رزقه (۶۷ - ۱۵)
 او (خدا) است که زمین را برای شما رام کرده پس بجهت مختلف آن بروید
 و از نعمات آن بهره بگیرید .

۲ - ولقد مکناکم فی الارض وجعلنا لکم فیها معاش (۷ - ۱۰)
 شما را در زمین جا دادیم و برایتان در آن زندگیها فراهم ساختیم

۱ - محمد ابوزهره - استناد فقه اسلامی - دانشکده حقوق دانشگاه قاهره . نقل از عدالت اجتماعی تالیف مرحوم سید قطب - ترجمه فارسی ج ۱ - ص ۲۲۲

- ۳ - الم تر ان الله سخر لكم ما في الارض (۲۲ - ۶۵)
 آیا نمی بینی که خدا آنچه را در روی زمین است در اختیار شما قرار داده ؟
- ۴ - الم تر ان الله سخر لكم ما في السموات وما في الارض واسبع عليكم نعمه
 ظاهرة وباطنة (۳۱ - ۲۰)
 آیا نمی بینی که خدا آنچه را در آسمانها و زمین است در اختیار شما
 قرار داده و نعمتهای خود را بطور آشکار و نهان برای شما فراوان ساخته
 است ؟
- ۵ - خلق لكم ما في الارض جميعا (۲ - ۳۹)
 (خدا) آنچه را در روی زمین است برای شما خلق کرده .
- ۶ - والارض وضعها للانام فيها فاكهة (۵۵ - ۱۰)
 (خدا) زمین را برای همه مردم جهان قرار داد و در آن میوه هایست
- ۷ - وما انتم بمعجزين في الارض ولا في السماء (۲۹ - ۲۲)
 و شما در روی زمین و آسمانها اعجازی نخواهید کرد
 و نظائر این آیات .

اصل چهارم = قدرت حکومت اسلامی

در کلیه مکاتب اقتصادی قدرت دولت یکی از مسائل بسیار مهم و حساس است .
 پایه اختلافات بسیاری از مکاتب اقتصادی بر روی وسعت یا محدودیت قدرت دولت
 قرار دارد . بحث راجع به حکومت در اسلام از حوصله و غرض بحث ما بیرون است . توجه
 و اشاره ما در اینجا صرفا از جهت ارتباط آن با مسائل اقتصادی است . حکومت اسلامی
 از نقطه نظر قدرت یا اختیارات دارای یک دوگانگی است . باین عبارت که دولت اسلامی
 از یک طرف از اختیارات و قدرت نامحدودی برخوردار است ، اما از جهت دیگر
 فاقد قدرت و اختیار است . یکی از ریشه های اساسی اختلاف شیعه با خلفا و امرا
 و سلاطین وقت بر اساس همین دوگانگی قدرت و عدم قدرت دولت اسلامی میباشد .
 اساس قدرت دولت در جامعه اسلامی بر آن است که :

اطيعوا الله واطيعوا الرسول واولوالامر منكم

از خدا ، فرستاده او و زعمای خود (اولوالامر) پیروی بکنید .

دولت اسلامی که از طرف خود مردم صاحب " امر " و قدرت شده باشد و برنامه
 ها و اعمالش در جهت اجرای اوامر خدا و برنامه های رسول خدا باشد ، بر جامعه
 همان اندازه قدرت دارد که خدا و رسول خواهد . و این برای دولت قدرتی

است ناهدود ، مردم موظف هستند از چنین دولتی اطاعت کنند . بعبارت دیگر يك مركزيت (سانتراليسم) بسيار قوي - محتوی و چگونگی اطاعت نیز از همان نوع اطاعت از خدا و رسول خداست . امروز میدانیم که از جهت توسعه برنامه های اجتماعی و اقتصادی مسئله سانتراليسم و قدرت مرکزی تا چه حد در پیشرفت موفقت آمیز جامعه دخالت داشته و از عوامل اساسی محسوب میگردد . چنین دولتی از نظر اقتصادی دارای همان حق جانشینی خداست و بآن اندازه قدرت دارد که حتی می تواند " لباس من و شطا را هم از تنمان بیرون بکشد " (۱) .

اما این چنین قدرتی بدون قید و شرط نیست و به محض آنکه بر یکی از این قیود و شرائط خدشه وارد آمد - قدرت دولت میشود صفر - و ملت نه تنها میتواند از اطاعت چنین دولتی سر باز زند بلکه اطاعت از چنین دولتی " گناه " محسوب شده و در حکم جنگ با خداوند خواهد بود . همین مسئله بی قدرتی دولت در عین قدرت هسته نزاع و جدال و پیکار مستمر و لاینقطع تشیع را با خلفای فاسد و فاسق یا ظالم و جابر و حکومت های غیر ملی در طی تاریخ تشکیل میدهد در بحث آینده در تحت عنوان " جنگ اسلام با سرمایه داری - علل اقتصادی جنگهای انقلابی در اسلام " ما بطور مبسوط تری این مسئله را بررسی خواهیم کرد . غرض از اشاره ما در اینجا آنستکه توضیح بدیم دولت اسلامی در جامعه اسلامی از نقطه نظر اقتصادی دارای چه نقش عظیمی است و چه وظائفی از جهت اقتصادی و اجتماعی بموجب این اصل برای دولت اسلامی بوجود میاید .

اصل پنجم = تامین و تضمین زندگی همه انسانها

خداوند بعنوان مالك و صاحب اختیار تمام هستی و امکانات و منابع اقتصادی زندگی مادی و دنیوی همه انسانها را تعهد و تضمین نموده است . شواهد این امر در آیات قرآنی بقدری زیاد است که اشاره به تمام آنها در اینجا میسر نیست . کثرت این آیات خوب حاکی از اهمیتی است که قرآن برای تضمین زندگی افراد جامعه قائل است .

۱ - و ما من دابة فی الارض الا علی الله رزقها و يعلم مستقرها و مستودعها (۱۱ - ۷)

هیچ جنبنده ای در زمین نیست که روزیش بر عهدہ خدا نباشد و او (بخوبی) آرامشگاه و کوچگاهش (احتیاجات) را میداند

۲ - ان الله یرزق من یشاء بغير حساب (۳ - ۲۷)

خداوند بکسی که بخواهد بیشمار روزی میدهد

۱ - سید های خسروشاهی - نقل از یکی از مراجع بزرگ - پاورقی در عدالت اجتماعی در اسلام

۳- ان الله لهو خبير الرازقين (۲۲- ۵۸)

خداوند بهترین روزی دهندگان است

۴- نحن نرزقکم وایاهم ولا تقرؤا الفواحش (۶- ۱۵۱)

ما شط وایشان را روزی میدهیم (بنابراین) بدنبال کارهای ناشایسته نروید

۵- نحن نرزقکم والعاقبة للتعوی (۲۰- ۱۳۲)

ما شط را روزی دهیم و فرجام از آن پرهیزکاریست .

۶- اولم یعلموا ان الله یسط الرزق لمن یشاء ویقدر ؟ (۳۹- ۵۲)

آیا نمیدانند که خداوند برای هر که بخواهد روزی را گشایش و تنگی میدهد ؟

بعبارت دیگر خداوند تائین "رزق" یا "روزی" همه کس را برعهده گرفته است .

در معنای رزق مینویسند "هر نوع بهره معنوی و مادی حلال است بخصوص که نسبت به

خدا و عوامل خدا داده شده و آن یا مالی است که محصول عمل و فکر است

یا اعضای عمل و اخلاق و علم است که منشاء عمل می باشد " (۱) این صراحت تائین

زندگی عناصر جامعه از طرف خداوند ، بلافاصله یک اصل اساسی دیگری را در اقتصاد

اسلامی بوجود میاورد . گفتیم که جامعه جانشین خداست و در بهره برداری از منابع

وامکان طبیعی از طرف خدا وکالت دارد . و گفتیم که حکومت اسلامی از اختیارات

خاصی برخوردار است . و این اختیارات با حق مالکیت مطلق خداوند و وکالت آن به

جامعه و در نتیجه دولت اسلامی رابطه مستقیم دارد . بنابراین بلافاصله بر اساس تعهد

خداوند در تائین روزی مردم ، این تعهد گردن گیر جامعه میگردد . دولت اسلامی

موظف است که زندگی شرافتمندانه ای برای همه افراد ملت فراهم سازد . برای آنها

که قادر بیکارند باید شرایط مساعد برای کار را بوجود آورد . باید امکانات "عمل"

و گرد آوردن "علم" را بوجود آورد . و آنها که قادر بیکار نیستند باید حکومت اسلامی

آنها را تائین نماید . "کفالت نظامها و سیستم های اسلامی بر کفایت امور معاشی

هر فردی از افراد ملت است ، اعم از آنکه قادر بیکار باشند یا بطور دائم و یا موقت

از کار کردن عاجز باشند " (۲) "رزق و روزی برای هر فرد و ضمانت کفایت معاش برای

همه در رژیم اسلامی گام ابتدائی اسلام در راه تحقق بخشیدن بعدالت اجتماعی است (۲)

"جماعت ضامن کفالت هر فردی است که در میان آنان بسر میبرد . این کفالت معاش

مسئله الزامی است نه یک امر اخلاقی و احسان " (۲) و این کفالت معاش شامل همه

افراد جامعه صرف نظر از رنگ و نژاد- مذهب می باشد . در تاریخ اقتصاد اسلامی

۱- طالبانی - پرتوی از قرآن

۲- سید قطب - عدالت اجتماعی در اسلام - ترجمه فارسی

شواهد بسیار زیادی وجود دارد دال بر اینکه حتی افراد وابسته بسایر مذاهب که در جامعه اسلامی بسر می برده اند در مواقع از کار افتادگی از بیت المال اسلام مقرری دریافت میکرده اند . بعنوان نمونه می نویسند روزی علیؑ از کوجه ای می گذشت . عربی را دید که بگدائی مشغول بود . تعجب کرد و به جستجوی احوال او پرداخت . معلوم شد پیرمردی است مسیحی که سالیان دراز کار میکرده است اما حالا به کوری مبتلی شده است و چون در آمد یا پس اندازی ندارد برای تامین معاش خود بگدائی پرداخته است . علی فرمود : عجب تا وقتی که توانائی داشت از او کار کشیدید و اکنون او را بحال خود گذاشته اید ؟ . . . در مدتی که توانائی داشته کار کرده و خدمت انجام داده است ، بنا براین بر عهدہ حکومت اجتماع است که تا زنده است او را تکفل کند .
بروید از بیت المال باو مستمری بدهید . (۱)

اصل ششم = شناخت مالکیت فردی - عامل نفسانی محرک اقتصادی

جنبش اقتصادی در افراد يك مبدأ و ریشه نفسانی دارد و قسمتی از شخصیت او را تشکیل میدهد .

- و تحبون المال حبا جما (۸۹ - ۲۰)

مال را بسیار دوست میدارید

- و آتته لخب الخیر لشدید (۱۰۰ - ۸)

انسان در دوستی خواسته سر سخت است

عامل نفسانی انسان در فعالیت های اقتصادی همراه با عامل و احتیاج جنس دو پدیده روانی همراه و همزاد انسان هستند که محرک او در بسیاری از فعالیت های خصوصی و اجتماعی میباشد . جواب گوئی و اقتناع این دو محرک در انسان از عوامل اساسی آرایش روانی او میباشد . اسلام این کشش و تحرک را - بعنوان فطرت بشر شناخته و وقتی بصورت طبیعی ارضاء شوند زینت حیات و زیبایی زندگی شناخته است .

- المال و البنون زينة الحياة الدنيا (۱۸ - ۴۶)

مال (خواسته) و فرزندان پیرایه زندگانی دنیا هستند

- زين للناس حب الشهوات من النساء و البنين و القناطير المقنطرة من الذهب

دل بستگی به تمایلات درونی از قبیل زنان و فرزندان و پوستهای گاو اکنده

از طلا . . . (کنایه از زندگی فرفه) مورد پسند مردم افتاده است

از این دو زیبایی زندگی یکی - مال - حاصل محرک نفسانی انسان در فعالیت

اقتصادی و دیگری - فرزند - میوه محرک و غریزه جنسی اوست .
 اسلام در راه حل‌های خود برای انسان ، بارضاء و اقتناع این دو عامل اهمیت فراوان
 داده است و بالا تر از آن معتقد است که ارضاء و اقتناع واقعی که حاصل آن آرامش عمیق
 و دائمی خواهد بود ، تنها و تنها در سایه قبول و عمل باین راه حل‌های اسلامی میباشد .
 کسانی که ندانسته به طرف نفسی این دنیا به تفریط رفته و خود را از این زینت‌های
 زندگی محروم میسازند مورد سرزنش قرار میگیرند .

- ولا تنسی نصيبك من الدنيا (۲۸ - ۷۷)

بهره خود را از دنیا فراموش مکن

- قل من حرم زينة الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق (۲ - ۳۲)

بگو (ای پیامبر) چه کسی زینت و روزیهای پاک را که خداوند برای بندگانش

بیرون داده حرام کرده است ؟

بر اساس این درک واقعی از شخصیت انسان است که اسلام فرد را برسمیت میشناسد .
 اما این مالکیت يك امر نسبی و اعتباری است و در بسیاری از موارد یا بگلی ساقط شده
 است و یا محدود گردیده است .

مالکیت فردی از يك طرف بر اساس تسلیط و بموجب الناس مسلطون علی اموالهم
 برسمیت شناخته شده است اما از جهت و جانب دیگر بر اساس اصل لا ضرر و بموجب
 لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام - محدود گردیده است . محدودیت مالکیت فردی در
 اسلام تنها به اساس قاعده لا ضرر نیست . بلکه همانطور که گفتیم اساس آن يك امر نسبی
 است . باین معنا که چون خداوند (مالک مطلق) حق خود را در حد خلافت -
 (جانشینی از خود) بانسان واگذار کرده است و شارع مدار گذار کار جامع
 می باشد لذا این شارع اسلامی است که از کل حق خود - در بعضی از موارد و در تحت
 شرائطی قسمتی را به فرد واگذار می نماید . بعبارت دیگر " مالکیت يك حکم شرعی
 است که در رعین یا در منفعت " فرض شود . . . و باید با اجازه تصریحی یا غیر
 تصریحی شارع بوده باشد / . . ." (۱)

در شریعت اسلام - از نظر اقتصادی - بعضی از موارد چگونگی مالکیت را تصریح
 کرده است و در سایر موارد پیشبینی آنرا به حکومت اسلامی واگذار کرده است .
 این قید و محدودیت در چگونگی تحقق مالکیت است - در حالیکه اصل لا ضرر
 ناظر بر محدودیت بعد از تحقق امر مالکیت فرد است . باین عبارت که حتی وقتی فردی -
 بعد از طی تمام مراحل و رعایت همه جوانب اسلامی بر مالی دست یافت و مالک شد ،

۱ - سید محمود طالقانی - ایلام و مالکیت

مالکیت او تا وقتی محترم است که موجب زیان و ضرری برای دیگران نشود .
محدودیت دیگر در چگونگی مصرف یا برخورداری از این مالکیت است که بعداً
شرح خواهیم داد و خواهیم دید که چگونه اسلام در برخورداری از حق مالکیت با افراد
فقط اجازه استفاده باندازه رفع احتیاج را می دهد و بس .

اسلام مالکیت فردی را بعنوان عاملی برای ارضاء غریزه و عامل نفسانی بشر در حرکات
اقتصادی برسمیت می شناسد . اما چون اساس آن (مالکیت) یک امر غریزی است ،
معتقد است که در این امر نیز مانند سایر غرائز "انسان وقتی اراده و توجه خود را
برای اشباع هر غریزه و خواهشی مصروف داشت بحد ضرورت و تامین حاجت متوقف
نمی شود . . ." (۱) لذا آنرا بصورت مختلف و بشکلی که انسان فقط بتواند از این حق
مالکیت اعتباری و نسبی خود در حد ارضاء غریزه استفاده کند محدود میسازد .

اصل هفتم = وحدت انسانها و نابرابریها

از نظر اسلام - تمام انسانها بندگان خداوند هستند و همه باهم برابرند - مبدأ
و منشأ همه انسانها یکی است . آنچه در نظر ما بصورت اختلاف جلوه گر می شود ،
وسیله ای برای شناسائی و تشخیص انسانها از هم می باشد .

۱ - وما كان الناس الا امة واحدة فاختلّفوا (۱۰ - ۱۹)

همه مردم ملت واحدی بودند ولی بعداً اختلاف کردند

۲ - انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا ان الکرّمکم

عند اللّٰه اتقیکم (۴۹ - ۱۳)

ما شما را از زن و مرد آفریدیم و بصورت شاخه ها و تیرههایی قرار دادیم

تا یکدیگر را بشناسید برترین شما در پیشگاه خدا پروا پیشه ترین شماست

۳ - یا ایها الناس اتقوا ربکم اللّٰدی خلقکم من نفس واحدة (۴ - ۱)

ای انسان از پروردگار خود که شما را از یک مبدأ زنده آفریده پروا داشته باشید

این عدم اختلاف بآن معنا نیست که همه انسانها یک "جور" و یک "دست"

هستند ، بلکه مردم در ساختمان نفسانی و جسمانی با هم فرق دارند . در استعداد -

در قدرت تفکر و تخیل - در هوش و بسیاری از مشخصات روانی دیگر مردم با هم

نابرابرند . این نابرابریها میان انسانها بعنوان شناخت فطرت و ماهیت انسانها از

طرف قرآن تأیید میگردد .

۱ - نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیاة الدنیا و رفعنا بعضهم فوق

۱ - سید محمود طالقانی - اسلام و مالکیت

بعض درجات (۴۳ - ۳۲)

روزی آنها را در زندگی دنیا میان نشان تقسیم کردیم و برخی از آنان را بر
برخی دیگر پله پله برتری دادیم

اصل هشتم = اصالت کار و عمل باندازه قدرت

در بخش اول - مقدمه - به اهمیت کار اشاره کردیم . در بخش سوم مبسوط تر
بحث خواهیم کرد . در اینجا اکتفا می نمایم باینکه در جامعه اسلامی تمام افراد موظف
هستند کار کنند . و تنها کسانی میتوانند از سفره گسترده نعمت های خدا بهره
برداری کنند که به کاری - خواه فکری یا یدی ، که مفید باشد مشغول باشند .

در معنی رزق گفتیم که آن مالی است که محصول کار و فکر است . تامین روزی و رزق
از جانب خدا باین معناست که هر کس کار کند و در کار خود هدف های اساسی را در
نظر بگیرد خداوند روزی او را یا بازده کارش را تامین نموده است و تحقق چنین
تأمینی بر عهده شارع یا جامعه اسلامی . از طریق اجرای اصول اقتصادی اسلامی میسر
۱ - وان لیس للانسان الا ما سعی وان سعیه سوفیری (۵۳ - ۴۰)

انسان فقط باندازه کوشش (کار) خود بهره میگیرد و کوشش او بزودی دیده
می شود .

۲ - فمن یعمل من الصالحات وهو مومن فلا کفران لسعیه (۲۱ - ۹۴)

هر مؤمنی که کار شایسته ای انجام دهد ، کوشش او بی پاداش نخواهد ماند

۳ - کل نفس بما کسبت رهینة (۷۴ - ۳۸)

هر کس کسی مسئول مکتسبات (اعمال) خود می باشد .

۴ - ولکن درجات ما عملوا (۶ - ۱۳۲)

و هر کدام بلحاظ عمل خود درجاتی دارند .

و بازده کار برای همه - صرف نظر از رنگ و نژاد و جنس یکی است .

- من عمل صالحا من ذکرا و انثی و هو مومن فلنحییته حیوة طیبة ولنجزینهم

اجرهم باحسن ما کانو یعملون (۱۶ - ۹۷) و (۴۰ - ۴۰)

هر مؤمنی ، از زن و مرد که عمل شایسته ای انجام دهد او را زنده داریم و بر

مبنای بهترین کارهایی که انجام داده پاداش و جزا خواهیم داد .

- وللرجال نصیب مما اکسبوا وللنساء نصیب مما اکسبن (۴ - ۳۲)

بهره مردان از آن چیز است که کسب کرده اند و بهره زنان نیز از آنچه کسب

کند کرده اند .

پرداختن بیک کار " صالح " یا مفید وظیفه هر فردی در جامعه است . هر کس
موظف است باندازه وسع خود کار کند و بجامعه خدمت نماید . از آنجا که جامعه -
جانشین خداست صالح بودن کار افراد با مفید بودن آن بحال جامعه، سنجیده می شود .
- خیر الناس انفعهم للناس (رسول خدا ص) .

بهترین مردم مفیدترین آنها برای مردم میباشد .
- الناس عیالی ، انفعهم الیهم احبهم الی (حدیث قدسی) .
مردم خانواده مند - سودمندترین ایشان بحال مردم محبوبترین مردم برای مند .
آدم بیکار در جامعه اسلامی راه و جایی ندارد . و خدا هم از او بیزار است .
- خداوند از بنده ای که بیکار بوده و دهانش باز باشد و متصل بگوید خدا یا
بمن روزی بده متنفر است (رسول خدا ص)

می نویسند حضرت رسول (ص) وقتی با افراد جدیدی برخورد میکردند می پرسیدند :
کارش چیست ؟ اگر می گفتند بیکار است می فرمود : سقط من عینی : از چشم افتاد .
امام صادق حاضر نشد برای آدم بیکار دعا کند چه حضرت رسول فرموده اند که آدم
بیکار دعایش مستجاب نمی شود .

بنابراین ملاحظه میشود که اصل " از هر کس باندازه استعداد و قدرتش باید کار
خواست " در اسلام به بهترین وجهی وجود دارد . از یک طرف مردم بعنوان عبادت
و شرط ورود به بهشت موظف هستند که آنرا انجام دهند و از طرفی دولت مأمورست
که بر اجرای این اصل نظارت کند .

اصل نهم = مصرف باندازه احتیاج

درست است که رزق و روزی که خداوند آنرا تضمین کرده است فقط در سایه کار و
عمل و فکر خود افراد تامین و حاصل میشود و هیچ کس حق بهره برداری بدون عمل
را ندارد - اما چون خود افراد هم بعنوان قسمتی از محتوای طبیعت بخداوند و
در نتیجه به جامعه تعلق دارند ، حاصل کار مولد و قانونی یا شرعی آنها نیز بطور
مطلق بخود آنها تعلق نداشته بلکه آنها امانت داری بیش نیستند که باید آنرا
مطابق دستور و نظر صاحب اصلی مال - خدا - مصرف نمایند .

فرض کنیم که افراد بر اساس اصل اصالت عمل ، بکار مفیدی بپردازند و جامعه
هم نتیجه کار آنها را مطابق ارزش کارشان بآنها بپردازد - افراد چگونه می توانند
در این اموال یا بهره کار دخل و تصرف نمایند ؟
چون ثروت و مال اطنتی است در دست صاحب مال " موظف بمصرف آن در راه

اجتماع است - صاحب مال فقط حق دارد بقدر احتیاج خود از آن بهره بردار* (۱)
اگر چه در تعیین حدود احتیاج افراد^{مستحقا} سخنی نرفته است اما آنها که از مرز احتیاج
تخطی و تجاوز کنند - بعنوان اسراف یا تبذیر کنندگان، بشدت محکوم شده اند . در
اینجا اسراف بمعنای مصرف بیش از احتیاج برای خود شخص است و این نحو از مصرف
یا اسراف همان عیاشی کردن است .

۱ - کلوواشویو ولا تسرفوا آیه لا یحب المرفقین (۷ - ۳۱)

بخورید و بیاشامید ولی اسراف نکنید که خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد

۲ - و آن الصرقرین هم اصحاب النار (۴۰ - ۴۳)

اسراف کنندگان هدم آتشراند

۳ - آیه لا یحب المرفقین . . . (۶ - ۱۴۱)

او (خدا) اسراف کنندگان را دوست ندارد .

و بسیاری از آیات مشابه دیگر .

نه تنها افراد حق ندارند از حاصل کار خود بیش از احتیاج بهره برداری کنند
بلکه در مصرف آنها نیز باید رعایت عقل و منطق را بنمایند . مصرف باید سنجیده و
منطقی باشد .

- و لا تاكوا اموالکم بنیکم بالباطل (۴ - ۲۹)

اموال خود را بین خویش بنا حق نخورید (مصرف نکنید)

در اینجا طرف خطاب فقط فرد نیست بلکه جامعه بطور جمع مورد خطاب است .
جامعه بعنوان جانشین خدا حق ندارد در امانت سهل انگاری کند و امانت خدا
را بباطل مصرف نماید .

وجه دیگر مصرف تبذیر است . باین معنا که افراد حاصل کار خود را حیف و
میل و در مصارف بیهوده صرف کنند .

- ان المبدّرین كانوا اخوان الشیاطین (۱۷ - ۲۷)

کسانیکه مال را بیهوده مصرف نمایند برادران شیطان (منحرف) هستند

- و لا تبذروا ثبذیرا

هیچگاه بیهوده ریخت و پاش نکن

اما وکالت فرد در این " مالکیت " بعد از رفع احتیاج آنست که آنرا در راه جامعه
مصرف نماید . بخشی از این سهم اجتماع در حاصل کار فرد بصورت مالیتهای معین
و مشخص روشن شده است که باید به پردازد و جامعه از او خواهد گرفت . اما بخش

۱ - سید قطب - عدالت اجتماعی در اسلام - ترجمه فارسی

دیگر که مجموعه آن چیزی است که بعد از پرداخت سهم مشخص شده جامعه و مصرف باندازه احتیاج باقی می ماند - برعهده خود شخص است که آنرا بخاطر خدا - در راه جامعه مصرف نماید . بعبارت دیگر فرد حق ندارد این مقدار که مازاد مانده است در تصرف مالکانه خود آنرا نگه دارد . بلکه باید آنرا در راه جامعه مصرف نماید . این عدم مصرف مازاد احتیاج در راه جامعه بعنوان گنج یا کبوتر از طرف اسلام بشدت محکوم شده است .

— والذین یکنزون الذهب والفضة ولا ینفقون فی سبیل اللّٰه . . . (۹ - ۳۴)

کسانیکه طلا و نقره را بیاندوزند و در راه خدا انفاق نمیکنند . . .

اگرچه برخی در معنای کبوتر تردید دارند که آیا همان گنج کردن مازاد احتیاج و عدم انفاق آن در راه خداست . اما سید قطب می نویسد : هر چه بیش از مقدار احتیاج باشد و انفاق نشود تمرکز دادن و گنجینه نمودن آن باعث شکجه و عداست^۱ (۱) در این باره از رسول خدا (ص) روایات زیادی نقل شده است که همه حاکی از آن است که آنچه شخص بیش از احتیاج خود دارد باید بدهد .

وجه دیگر از محدودیت فرد در چگونگی مصرف حاصل کار خود ، عدم بخل است !

بخل باین معنا که افراد در مصرف ، بیش از حد لازم دچار وقت و حسابگری شوند .

این بخل ورزیدن و وقت و حسابگری بیش از حد تنها در مورد مصرف برای رفع احتیاجات خود شخص نیست بلکه شامل مصرف در راه اجتماع نیز می گردد . باین عبارت که امساک و یا عدم مصرف در راه جامعه خود بخل ورزیدن است .

— ولا یحسبن الذین یتبخلون بما اتیمهم اللّٰه من فضله هو خیرا لهم بل هو

شر لهم سیطوفون ما بخلوا به یوم القیمة ولله میراث السموات والارض (۳ - ۱۸۰)

کسانیکه نسبت بآنچه خدا از فضل خود بر آنها ارزانی داشته بخل می ورزند

نپندارند که این روش برای آنها خوب است بلکه شر است . آنچه از انفاق آن

خود داری کرده اند روز قیامت گردنشان را خواهد گرفت - میراث آسمانها

و زمین متعلق بخداست .

— الذین یتبخلون و یامرون الناس بالبخل و یتکفون ما اتیمهم اللّٰه من فضله (۴ - ۳۷)

کسانیکه بخل ورزند و مردم را به بخل ورزی فرمان دهند و آنچه را خدا از

فضل خود بایشان داده پنهان کنند . . .

و این بخیل بودن و امساک کردن انسان در مخارج و تامین ضروریات نیز جزو

طبیعت اوست .

۱ - سید قطب - عدالت اجتماعی در اسلام - ترجمه فارسی جلد یک ص ۱۷۵

— و كان الانسان قنورا (۱۷ - ۱۰۰)

انسان همواره بر خود سختگیر بوده .

و بالاخره محدودیت وسیع دیگری نیز وجود دارد و آن عبارتست از محدودیت فرد در مصرف در راه هائی که مخالف منافع جامعه و دستورات اسلامی است .
در بخش سوم ما در این مورد مبسوط تر خواهیم نوشت در اینجا اشاره میکنیم که منظور از این محدودیت مصرف در راه هائی که مغایر با منافع جامعه و یا مخالف آن باشد ، نظیر خرید و مصرف مشروبات الکلی - فواشش و می باشد .

اصل دهم = ضرورت عدالت اجتماعی

گفتیم جامعه دارای هدفی است که باید در طی فعالیت های مولد خود بسوی آن هدف - که تکامل و پیشرفت - باشد حرکت کند . حرکت تکاملی جامعه وقتی ممکن و میسر است که شرایط اولیه برای فعالیت مفید و خلاقه افراد آماده باشد . افراد بتوانند ، صرف نظر از اختلافات رنگ و نژاد ، استعداد های خود را بکار اندازند . در سایه بروز و رشد استعدادها - افراد بحدوسع و توانائی خود کار کنند تا سطح تولید جامعه گسترش یابد . افراد برای آنکه به طور طبیعی بانجام وظائف خود بپردازند و اعضای مفید و مولدی برای جامعه باشند باید زندگی آنها تامین باشد . ترس از فقر و ناداری از بین برود - نگرانی از بیکاری و فقر نباید وجود داشته باشد .
مجموعه این شرایط طبیعی اولیه از نظر اسلام در مفهوم کلی عدالت اجتماعی - بعنوان یک هدف کلی خلاصه شده است و مردم را به اجرای آن دعوت می نماید .

۱ - واقسطوا ان الله يحب المقسطین (۴۹ - ۹)

دادگری کنید که خداوند دادگران را دوست دارد

۲ - كونوا قوامین بالقسط

از بیا داران دادگری باشید

۳ - فاحکم بینهم بالقسط (۵ - ۴۲)

بین آنها به دادگری داری کنید

۴ - قل امر ربی بالقسط (۷ - ۲۹)

امر (قانون) پروردگار مرا بدادگری (ب مردم) بگو

۵ - كونوا قوامین لله شهداء بالقسط (۵ - ۸)

از قیام کنندگان برای (قانون) خدا و نگهبانان دادگری باشید

۶ - ان الله یأمر بالعدل والاحسان (۱۶ - ۹۰)

خداوند شما را به دادگری و نیکی امر میکند

و هدف ارسال و بعثت انبیاء را برپا نگهداشتن همین امر طبیعی یا عدالت ذکر می نماید :

— لقد ارسلنا رسلنا بالبینات و انزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط
پیامبران خود را با نشانه هایی فرستادیم و با آنان کتاب (قوانین) و ترازو
(وسیله داری) نازل کردیم تا مردم را به دادگری وادارند

بر هم خوردن عدالت اجتماعی وقتی است که ثروت جامعه بجای آنکه در دسترس همه مردم برای ارضاء احتیاجات طبیعی آنها قرار گیرد ، در دست گروه معین و معدودی انحصار طلب متمرکز گردد . از اینجا انحطاط اجتماعی آغاز می گردد . طبیعی است وقتی احتیاجات انسانها و افراد جامعه بصورت طبیعی ارضاء نشد ، راه یابی برای ارضاء آنها از راه غیر طبیعی آغاز میگردد . و این آغاز فساد و ابتدای کفر است ، و هر دوی آنها حاصل ظلم و عدم عدالت اجتماعی است .

از رسول خدا (ص) : خداوند ا به نان جامعه ما برکت ده — زیرا اگر نان نباشد نه نماز خواهیم خواند و نه روزه خواهیم گرفت و نه سایر واجبات را بجا خواهیم آورد (۱)
از ابودرغفاری است که : هنگامی که فقر بجایی رود کفر باومی گوید مرا هم با خود ببر . " (۱)

عدم عدالت اجتماعی ، برهم خوردن نظم اقتصادی نه تنها موجب بروز کفر و هرج و مرج در توده های مردم خواهد شد بلکه در میان همان گروه سرمایه داری نیز فساد و انحرافات می نماید . حاصل فساد و انحراف این جماعت سرمایه دار است که موجب نابودی جامعه می گردد .

— و اذا اروننا ان فُهلک قرية امرنا مترفیهما ففسقوا فیها (۱۷ — ۱۶)
هرگاه بخوایم شهری را نابود کنیم گامرانان و هوسرانان آنها را به حکومت میرسانیم تا (از قانون خدا) نافرمانی کنند .

ولذا اسلام در زیر بنای تمام نظم اقتصادی خود می کوشد که از تمرکز سرمایه و ثروت جامعه در دست عده معدودی جلوگیری نماید .

— کی لایکون دولة بین الاغنیاء منکم (۵۹ — ۷)

تا دستخوش گردشی بین توانگران (سرمایه داران) شما نشود .

و در بحث سایر اصول اسلامی خواهیم دید که دولت اسلامی بر اساس همین آیه بالا و برای جلوگیری از چنین تمرکزی از چه قدرت وسیعی می تواند استفاده نماید !

۱ — دکتر علی شریعتی — ابودرغفاری

همانطور که گفتیم رسالت انبیاء و بعثت آنان برای ایجاد همین نظم اقتصادی یا عدالت اجتماعی در جامعه بوده است . در تمام طول تاریخ نزاع انبیاء با طبقات سرمایه دار و اشراف و هدف آنها نجات و آزادی طبقات زحمتکش و رنجبر بوده است .

— نوح پیغمبر : لقد ارسلنا نوحا الی قومه . . . قال الملا من قومه . . . (۷ - ۶۰)

نوح را بسوی قومش فرستادیم . . . اشراف قوم او گفتند (۲۸ - ۴۸)

— موسی : انّ فرعون علا فی الارض وجعل اهلها شیعا یتضعف طائفة منهم

فرعون در زمین طغیان کرده بود و در قوم خود اختلاف طبقاتی براه

انداخته بود . . . و گروهی از آنان را ناچیز میشمرد

— صالح : قال الملا الذین استکبروا من قومه للذین استضعفوا (۷ - ۷۵)

که مکالمه میان گروهی اشراف سرپیچیده از قانون خدا با طبقه ای

از رنجبران وضعفاست . . .

در تمام مکالمات و جنگ و جدال موسی با فرعون (۷ - ۱۰۹ و ۴۰ - ۴۴ و ۳ - ۱۳ و

۲۳ - ۳۶) و شعیب با قومش (۷ - ۸۸ و ۷ - ۹۰) و هود با قومش (۷ - ۶۶)

و صالح (۷ - ۷۵) و . . . همه جا صحبت از وجود یک طبقه زحمت کش و محروم

و اسیر است و یک طبقه اشراف و سرمایه دار و بی نیازی که همه ثروت جامعه را در دست

خود گرفته است . در یک طرف انبیاء برای رهایی این طبقات زحمتکش توده مردم را

بسوی وحدت و خروج از بند های کهن و شکستن زنجیرهای سنن پیوسیده اسارت

دعوت می کنند و در طرف دیگر سرمایه داران و اشراف با تمام قوا حرف و ادعای انبیاء

را تکذیب و مردم را بعدم توجه و قبول ادعای انبیاء دعوت و مجبوع می نمایند .

— و ما ارسلنا فی قریة من نذیر الاقال مترفوها انا ارسلتم به کافرون . . . (۳۴ - ۳۴)

به هر شهری ترساننده ای (راهنمائی) فرستادیم هوسرانان (اشراف)

آنجا گفتند که ما بحرهای شما ایمان نداریم . . .

— و کذالك ما ارسلنا من قبلك فی قریة من نذیر الاقال مترفوها انا وجدنا آباءنا

علی آمه و انا علی آثارهم مقتدون . . . (۴۳ - ۲۳)

بدینسان هر موقع قبل از تو به شهری ترساننده ای (راهنمائی) فرستادیم

هوسرانان (اشراف) آنجا گفتند که پدران ما روشی (طرز فکری) داشتند

و ما هم از آنها پیروی می کنیم .

و این چنین جنگی تنها رسالت انبیاء نبوده است و نیست ، بلکه این رسالت هر

انسان مسلمان و خدا پرست است که به نجات توده های زحمت کش قیام نماید .

جنگ های آزادی بخش - اساس جهاد اسلامی را تشکیل می دهند .

- وما لكم : چه درد و مرضی دارید ؟

- لا تقاتلون فی سبیل اللّٰه : که نمی جنگید در راه خدا ؟

- والمستضعفین من الرجال والنساء والولدان . . .

و در راه آن ستمدیدگان و ضعفاء از زن و مرد و بچه ؟

- الذین یقولون : آنها که (در شان به هواست و) میگویند :

- ربنا اخرجنا من هذا القرية الظالم اهلها

خدایا ما را از این شهر که مردمش ستمگرند بیرون ببر (نجات بده)

- واجعل لنا من لدنک ولیا - و برای ما از جانب خود فرمانروایی بگمار

- واجعل لنا من لدنک نصیرا - و برای ما از جانب خود یابوری قرار بده !

بحث در اینکه از نظر رهایی ملتها از یوغ اسارت و بردگی زر و زور چه رسالتی بر عهده

مسلمانان واگذار شده است موضوع مورد مطالعه ما نمی باشد . تذکر آن در اینجا

فقط از باب جلب توجه خواننده به اهمیت مساله عدالت اجتماعی در اسلام و برقراری

نظم اقتصادی می باشد .

در شرایط ظلم اقتصادی ، اسلام نه تنها فقرا و محرومین را به تحمل و صبر دعوت

نمی کند ، بلکه مردم راضی شده بظلم را بعذاب و کیفر در دنیاکی تحدید میکند .

در همین سوره نساء که آیه بالا را از آن نقل کردیم در آیه ۹۷ آمده است که :

" ملائکه از جمعی می پرسند که زندگی را چگونه گذرانیدید ؟ آنها میگویند که :

ما در زندگی جزء ضعفا و بیچاره ها بودیم و قدرتی برای مبارزه و دفاع در برابر ظلم

و ظالم نداشتیم ! از آنها پرسیده میشود : آیا سرزمین خدا وسیع نبود ؟ که مهاجرت

کنید ؟ سپس خداوند می فرماید : چون این جماعت بدون هیچ گونه سببی زیر بار

ظلم رفتند و بزور و قدری تن در داده اند بعذاب دوزخ و سوء عاقبت محکومند "

در بحث دیگری تحت عنوان مکانیزم انقلاب و به نقش عوامل اقتصادی از نظر

اسلام و پایه های اقتصادی جهاد یا جنگ های آزادیبخش در اسلام اشاره خواهیم

کرد و مساله را بطور مبسوط تری بحث خواهیم نمود . اشاره مختصر در اینجا صرفا از

جهت جلب توجه خواننده با اهمیتی است که اسلام برای تعادل اقتصادی و برقراری

عدالت اجتماعی قائل می باشد .

* * * * *

در شماره آینده - بخش سوم - ما به روینای عملی اقتصاد اسلامی خواهیم -

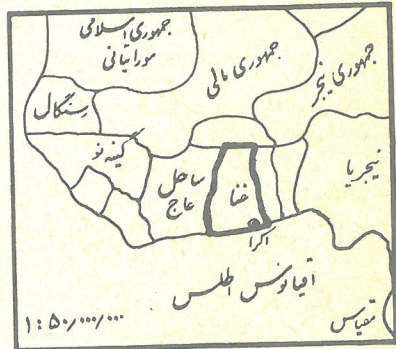
(بقیه در صفحه ۳۶)

کوشش‌های اسلامی نسل جوان

نامه‌ای از کانون جوانان مسلمان غنا

انجمن اسلامی گیسن (آلمان غربی) نامه‌ای از کانون جوانان مسلمان غنا دریافت کرده است که در پیلا خلاصه‌های از آن و جواب انجمن گیسن نقل میشود تا خوانندگان گرامی در جریان کوششهای اسلامی نسل جوان در آفریقا قرار گیرند .

جمعیت : ۲۰۰۰ / ۱۰۰۰ / ۷ نفر
 مساحت : ۲۳۰ / ۱۰۰۰ کیلومتر مربع
 زبان : انگلیسی - بومی
 دین : اسلام - بت پرست - مسیحی
 وضع فرهنگی : دارای یک دانشگاه ۵۰۳۸
 آموزشگاه با ۱۱ / ۶۳۴



ما از طریق انجمن اسلامی دانشجویان در آمریکا و کانادا مطلع شده ایم که شما فعالیتهای ارزنده‌ای برای مسلمانان جوان در آلمان غربی انجام میدید . بسیار خرسندم که از طرف هیئت اجرائیه کل کانون جوانان مسلمان غنا بهترین شاد باشهای خود را به هیئت اجرائیه و کلیه اعضای انجمن شما تقدیم میدارم .

بطور خلاصه کانون جوانان مسلمان غنا دارای شعبات متعددی در نقاط مختلف غنا میباشد . ایجاد روح برادری و اتحاد بین جوانان مسلمان و کوشش برای زیستن با تعالیم اسلامی و همچنین کوشش برای توسعه اسلام از همدفهای این انجمن بشمار میروند

بعلت کمبود مدارس اسلامی فرزندان مسلمانان زیر نظر مبلغین مسیحی تربیت میشوند و هنگامیکه به سن ۷ سالگی میرسند آنها را تعمید (۱) می‌دهند .

(۱) baptized

برای اینکه جوانان مسلمان مجبور نشوند در باشگاههای مسیحی ثبت نام کنند، ما خودمان تیمهای فوتبال، تنیس، بسکتبال و بکس آماتور تشکیل دادیم و وساتل لازم را تهیه کردیم .

در اسلام علائق و وابستگی فکری و عقیدتی بمراتب قوی تر از روابط خویشاوندی است بطوریکه در روزهای نخستین اسلام چه بسا فرزندانیکه در راه خدا با پدران خود میجنگیدند . بنابراین در راه مبارزه با دشمنان اسلام از هر کجا که باشیم در یک صف و در کنار هم قرار خواهیم داشت و اختلاف نژادی و جغرافیائی نمیتواند مطرح باشد .

اگر جوانان مسلمان با اتحاد و همکاری کامل برای در هم کوبیدن توطئه های میسیونرها (مبلغین مسیحی) و صیهونیسیم فعالیت نکنند ، تسلط آنان آنچه است آثار شوم و خونینی بهمراه خواهد آورد که دیگر فرصتی برای رهائی از این حالت ننگین و شرم آور باقی نخواهد ماند .
خداوند ما سلامتی و قدرت عنایت فرماید تا بتوانیم کوششهای خود را به ثمر برسانیم .

برادر شما - عبدالرحمن - کلیمون کوفی

دبیر هیئت اجراییه گل

آدرس کانن جوانان مسلمان غنا :

Ghana Muslim Youth league
Post Office Box x33
James Town, Accra

خلاصه ای از جواب انجمن اسلامی دانشجویان گیسن به نامه فوق :

برادران عزیز !

از دریافت نامه الهامبخش چهارم اوت شما بینهایت شاد و مسرور شدیم . . .
برنامه های عملی و مؤثریکه در مقابل مخالفین اسلام اجرا مینمائید و همچنین درک و دید جهانی شما از اسلام بعنوان یک جهان بینی و برنامه زندگی بسیار قابل تحسین می باشد . ما اطمینان داریم اگر شما این رسالت بزرگ را با ایمان و پشتکار دنبال مینمائید مسلماً بر این مشکلات چیره خواهید شد . بطوریکه خداوند در آیه ۶۹ از سوره عنکبوت چنین وعده میدهد :

((والذین جاهدوا فینا لنهمیننا))

" کسانیکه در راه ما (در راه حق) کوشش مینمایند ، راه خود را بر آنها هموار خواهیم ساخت "

انجمن ما نیز در جهت تقویت و گسترش پیوندهای برادری بین دانشجویان مسلمان و شناخت و شناسائی طرز فکر اسلام کوشش مینماید . . .

ما از برنامه های استعمار نوین بشکل مسیونرهای مسیحی و صیهونیسم
 بخصوص در قاره آفریقا تا حدودی آگاه هستیم . ما معتقدیم که راه حل برای
 چیره‌گی بر این دشمنان ((درک صحیح اسلام، شناخت واقعی این دشمنان -
 همکاری و وحدت همه جانبه همه مسلمانان)) می باشد .
 پیشرفت سریعی که اسلام با وجود تمام موانع ممکن در قاره آفریقا نموده ما را
 بسیار تحت تاثیر قرار داده است . . . این آمارگی و ظرفیت قابل ملاحظه برای
 پد یوش اسلام مسئولیت تاریخی و خطیری را بدوش همه مسلمانان بخصوص نسل جوان
 و تحصیل کرده قرار میدهد . . .
 لطفاً سلامهای برادرانه ما را بهم برادران و خواهران ابلاغ نمائید .
 از طرف هیئت مدیره انجمن گیسن

اتحادیه مجدداً نامه ای از کانون جوانان مسلمان غنا دریافت کرده است که
 ضمن تشکر از دریافت نشریه مکتب مبارز نوشته اند " . . . مسلمانان بایستی
 توجه خاصی به قاره آفریقا مبذول دارند چه این قاره در تعیین وضع آینده
 بشریت رل مهمی خواهد داشت . . . یکی از مشکلات ما ریشه کن کردن بیسواری
 و جهل و بالا بردن سطح بهداشت و زندگی مردم است . . . هر نوع کتاب جزوه
 و نشریه ای در باره اسلام بزیان انگلیسی برای ما بفرستید صمیمانه مورد تشکر
 و تقدیر قرار خواهد گرفت . . . "
 مکتب مبارز : از کلیه خوانندگان تقاضا میکنیم با ارسال کتب و نشریات
 اسلامی بزیان انگلیسی به آدرس این کانون به جنبش جوان اسلامی در آفریقا
 کمک بنمائید .

* * *

سومین نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا "گروه فارسی زبان"

سومین نشست اتحادیه انجمنهای اسلامی دانشجویان در اروپا گروه فارسی زبان
 در تاریخ ۲۹ تا ۳۰ ژوئیه ۱۹۶۷ در شهر ورتسبورگ (آلمان غربی) با شرکت اکثر
 نمایندگان تشکیل گردید .

نشست با استماع گزارش هیئت مدیره و بررسی آن ، برنامه و خط مشی آینده خود
 را تعیین و هیئت مدیره جدیدی را برای اجرای آن انتخاب نمود - گزارش کامل این
 نشست برای اعضاء ارسال گردید .

* * *

۱۹۶۷

در روزهای ۲۴ - ۲۶ ماه مارس کنفرانس منطقه شرق انجمن اسلامی دانشجویان امریکا و کانادا برگزار گردید. در این کنفرانس ۱۵۰ نفر از بیش از ۲۰ کشور اسلامی شرکت داشتند در خلال کنفرانس دانشجویان ایرانی و افغانی بدور هم اجتماع نموده و به بحث و بررسی درباره دانشجویان فارسی زبان و امکانات توسعه تبلیغات اسلامی میان آنان پرداختند و در پایان با توجه به وضع خاص این دانشجویان و با موافقت مسئولین انجمن اسلامی دانشجویان تشکیل گروه فارسی زبان را اعلام داشتند. تشکیل گروه فارسی زبان مورد تأیید کنفرانس منطقه ای شرق قرار گرفت.

یک هیئت موقت تعیین گردید. هیئت موقت با کلیه فارسی زبانان عضو انجمن و یا غیر عضو در سرتاسر امریکا تماس خواهد گرفت و مقدمات تشکیل یک کنفرانس وسیع - تری را مطالعه خواهد نمود. هیئت موقت به کار توزیع نشریات فارسی در میان فارسی زبانان انجمن خواهد پرداخت. مسلمانان فارسی زبان علاقمند در قاره آمریکا بسیاریند و امید آن میرود که با مشکل ساختن این گروه بتوان اقدامات وسیع تری در بالا بردن سطح دانش اسلامی آنها و توسعه علاقمندی همه فارسی زبانان به - مسائل اسلامی بعمل آورد.

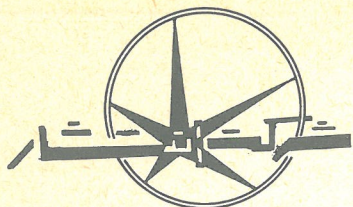
مکتب مبارز = ما تشکیل این گروه را در امریکا تبریک گفته و امیدواریم با کمک و یاری خداوند و تماس با هم به انجام وظائف خود موفق شویم.

* * *

{ بقیه از صفحه ۳۲ }

پرداخت. بر اساس این زیربنائی که ذکر شد آیا تقسیم منابع ثروت در جامعه چگونه بایستی باشد؟ چگونه مالکیت اجتماعی مرز مالکیت فردی را تعیین می نماید؟ مسأله مشکل زمین را چگونه حل کنیم؟ - آیا تقسیم اراضی یک اقدام مترقیانه یا عمل ارتجاعی است؟ آیا مالکیت های موجود در کشورهای اسلامی - شرعی و از نظر اسلام قابل قبول است؟ آیا ملی کردن منابع ثروت و یا تولید امری است جدید؟ و آیا با اصول اقتصاد اسلامی تناقض دارد؟ -

در شماره آینده در قسمت سوم به طرح کلی نظرات اسلام در زمینه های اساسی روینای عملی اقتصاد اشاره خواهیم کرد -



برادر ایمانی عزیز !

از آنجا که : "اِنَّ اللّٰهَ لَا یَغۡیۡرُ مَا بِقَومٍ حَتّٰی یَغۡیۡرُوۡا مَا بِاَنۡفُسِهِمۡ" (بدانید که خدا سرنوشت هیچ ملتی را تغییر نمیدهد مگر آنکه آنها وضع خودشانرا (تغییر دهند)

هیچ تغییر و تحول بنیادی در جامعه رخ نخواهد داد تا وقتی یک تغییر و تحول اساسی در افکار و عقاید و اعمال توده ها ایجاد نشود .

جنبشهای اجتماعی وقتی پر خیر و برکت و سازنده و مولد و خلاقه خواهند بود که ریشه های آن بر یک ایدئولوژی غنی - سرشار و آزمایش شده استوار باشد .
خلاء فکری جوانان ما - بیخبری آنها از اصول اسلامی بزرگترین نقطه ضعف و خطر اجتماعی در میهن ما و در دنیای اسلام است .

تنها با کار توضیحی - بطور مداوم و منظم - بصورت فردی و اجتماعی در میان جوانان و دانشجویان است که میتواند سطح دانش اسلامی آنها را بالا برد و با احتیاج و عطش حقیقت طلبی آنان پاسخ مثبت و منطقی داد .

شما در هر کجا باشید و در تحت هر شرایطی میتوانید باندازه وسع و میزان قدرت خود در این جهاد بزرگ فکری شرکت کنید .

شرکت انتشاریک موسسه اجتماعی غیرانتفاعی است و هدف آن کوشش منطقی و ساده برای پاسخ گوئی باین ضرورت اجتماعی میباشد . این شرکت اولین شرکتی است در ایران که با سرمایه اجتماعی (۲۵۰ شریک) بکار پرداخته است .

- اتبعوا من لا یسئلكم اجرا وهم مهتدون

(از کسانی پیروی کنید که از شما تقاضای پاداشی ندارند و خود هدایت شده اند)
از علاقمندان تقاضا میشود با آدرس دفتر ارویائی شرکت انتشار مکاتبه فرمایند تا لیست کتب شرکت ارسال شود .

آدرس دفتر شرکت :

M. Haghghi

55 Trier Tel. 73744

Friedr. Wilhelmstr. 53 W. Germany

M A K T A B E M O B A R E Z

Publication of
Persian Speaking Group
United Muslim Students Organization
in Europe
(U M S O)

نشانی پستی:

Address:

63 Giessen
Postfach 2962
West - Germany

نشانی بانکی:

Bank Account:

Postscheckamt Nürnberg
Konto - Nr. I33809
West - Germany

مکت شماره معادل با ۱۰ ریال